





مرکز تدوین آثار رهبر شهید



السلامة العامة



نگاهی به آثاری از استاد شهید
جلد پنجم
۱۳۹۸



شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: نگاهی به آثاری از استاد شهید، ۵؛

عنوان فرعی: چند نبشته در مورد آثار استاد شهید؛

پدیدآور: جمعی از نویسندگان؛

گردآورنده: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

حروف‌نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

سال چاپ: ۱۳۹۸ خورشیدی؛

نوبت چاپ: نخست؛

محل چاپ: کابل؛ افغانستان؛

یادداشت: این اثر، مجموعه مقالات و سخنرانی‌هایی است که در پنجمین محفل رونمایی

برخی از آثار رهبر شهید ارائه شده بود؛

موضوع: زندگی‌نامه؛

طرح جلد و برگ‌آرایی: عصمت‌الله احراری؛

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه؛

شمار برگه‌ها: ۱۱۳؛

قطع: رقعی؛

بها: ۱۰۰ افغانی؛

چاپ‌خانه: بهیر؛



نشانی ما: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛

آدرس ایمیل: sh.rabbani1390@gmail.com

حق چاپ برای مرکز تدوین محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۱
سخنرانی داکتر عبدالله عبدالله	۳۵
سخنرانی داکتر انوارالحق احمدي	۴۵
ارزنده‌ترین نکاتِ «خط رهبر ج، ۷».....	۵۷
زندگی در سایه‌های روح پرور قرآن	۶۵
در حاشیه کتاب: «ما کیستیم و چه می‌خواهیم؟».....	۷۹
نیم‌نگاهی به پیغام رهبر جلد چهارم	۹۷
رویکردها.....	۱۰۹

مقدمه

چنان‌که پیش از این در جلد چهارم «نگاهی به آثاری از استاد شهید» گفتیم: افغانستان در شامگاه ۲۹ سنبله ۱۳۹۰ شاهد شهادت مردی بود که یک عمر برای آزادی و آرام‌زیستن آن مُبارزه کرد. راهروان استاد به حمدالله که - پس از شهادتِ او - دست به زنج شیون و زاری نگذاشتند؛ بلکه کارهایی را در مسیر بالندگی راه و اندیشهٔ استاد برداشتند که یکی از کارهای ارزشمند و ماندگاری که در این باب شد، این بود که مرکزی برای تدوین آثار رهبر شهید، توسط صلاح‌الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و فرزند ارشد استاد شهید ایجاد شد؛ تا اندیشه‌های بلند او را چنان‌که شایستهٔ اوست عرضه کند. الحمدلله که این کار شد و در مدت هشت سالی که گذشت، این مرکز توانست، «۳۸» اثری را که یا از اوست و یا در بارهٔ اوست، تقدیم دوستداران اندیشه‌های پاک و بلند او کند.

البته گفتنی است که از میان این «۳۸» اثر شش اثر آن، کار امسال ماست، که در جمع ۳۲ اثر دیگر معرفی خواهند شد؛ اما همین اثری را که شما در دست دارید، محصول پنجمین همایش رونمایی برخی از آثار رهبر شهید است که در آن، آثاری از استاد شهید W ، توسط استادان و فرهیختگانی به معرفی گرفته شده بود که اینک ما آن سخنان و نوشته‌ها را پس از ویرایش و تحشیه تحت عنوان: «نگاهی به آثاری از استاد شهید» جلد

پنجم، به خدمت‌تان قرار می‌دهیم.

نگاه کوتاه به «۳۸» اثر چاپ‌شده:

۱- آموختنی‌هایی در مسیر انقلاب اسلامی. مطالب آن:

- مسئولیت دعوت در حرکت؛
- دعوت در داخل تنظیم؛
- مشکلات در راه دعوت؛
- برخورد با مشکلات؛
- دعوت و فعالیت پیگیر؛
- ضرورت‌ها و صفات اولی یک مسلمان مبارز؛
- نیازمندی‌های عقلی و نفسی؛
- صفات اخلاقی و سلوکی؛
- سلوک ضروری در جریان پخش تیوری؛
- طبیعت و خواص دعوت اسلامی؛
- لزوم برنامه‌ریزی در جهت پیروزی هدف و آرمان.

۲- چه نوع مُبارزه؟ مطالب آن:

- آشنایی به مفهوم مُبارزه؛
- خلوص نیت در مُبارزه؛
- هوشیاری در مُبارزه؛
- استقامت در مُبارزه.

۳- محمد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت. مطالب آن:

- محمد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت؛
- ابوبکر ~ یار راستین پیامبر Y؛
- عمر ~ دومین فرزند مکتب دوران‌ساز و حیات‌آفرین اسلام؛
- عثمان ~ فداکار سنگر پرافتخار ایمان؛
- علی ~ گرانبه‌ترین شاگرد مکتب اسلام و نخستین فدایی راه حق.

۴- سکوت وحشتناک. مطالب آن:

- سکوت وحشتناک در برابر فاجعه خونین ملت مُسْتَضْعَفِ افغان؛
- پیام به مردم مسلمان افغانستان؛
- داستان حلّ سیاسی.

۵- استقلالیت انقلاب. مطال آن:

- اراده مستقل؛ گوهر انسانیّت است؛
- هشدار از فرصت طلبان و مزدوران؛
- نمونه‌های از فرصت طلبی‌ها در تاریخ جهان اسلام؛
- وابستگی؛ آفت انقلاب‌ها؛
- جهاد در افغانستان؛
- امریکا و جهاد افغانستان؛
- موقف سازمان‌های اسلامی، از جهاد افغانستان؛
- رهبر تراشی بیگانگان؛
- انقلاب ما نیازی به کفیل ندارد؛
- پیامدهای ناگوار وابستگی؛
- وابستگی سیاسی.

۶- «خط رهبر جلد اول»؛ مجموع سخنرانی‌های ۱۳۹۰ رهبر شهید؛ حاوی خطابه‌های ذیل است:

- سخنرانی در اجلاس بیداری اسلامی؛
- سخنرانی در معینیت امور جوانان؛
- سخنرانی در کنگره مقدّماتی جمعیت اسلامی افغانستان؛
- سخنرانی در اکادمی علوم افغانستان؛
- سخنرانی در شورای علمای افغانستان؛
- سخنرانی در دهمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور؛
- سخنرانی در مراسم فاتحه‌خوانی شهید عبدالرحمن سیدخیلی؛
- سخنرانی در مراسم تشییع جنازه شهید جنرال محمد داود داود و
شاه جهان نوری؛

- سخنرانی به مناسبتِ درگذشتِ آیت‌الله تقدسی؛
 - سخنرانی در مراسم سوگواری احمدولی کرزی؛
 - سخنرانی در جمع مهاجرین افغان در آلمان.
- ۷- خط رهبر جلد دوم؛ مجموع سخنرانی‌های ۱۳۸۹ رهبر شهید، حاوی خطابه‌های ذیل است:

- سخنرانی در مورد تحولات خاور میانه؛
- سخنرانی به مناسبتِ اخراج روس‌ها از افغانستان؛
- سخنرانی در شهرستان جرم ولایت بدخشان؛
- سخنرانی در میان اعضای جمعیت اسلامی افغانستان؛
- سخنرانی در همایشی تجلیل از هفتمین سالگرد قانون اساسی؛
- سخنرانی در نهمین سالگشت شهادت قهرمان ملی احمدشاه مسعود؛
- سخنرانی در اولین سالگشت شهادت داکتر عبدالله لغمانی؛
- سخنرانی در ولایت هرات؛
- سخنرانی در مهمانی نخست‌وزیر پاکستان؛
- سخنرانی در همایش نقش علمای دینی در توحید امت؛
- سخنرانی در همایش مقدماتی جمعیت اسلامی؛
- سخنرانی در سالگشت وفات امام خمینی؛
- سخنرانی در جرگه صلح؛
- سخنرانی در افتتاح سرک ولایت بدخشان؛
- سخنرانی در میان مردم تخار؛
- سخنرانی در اجلاسی، در شورای علمای افغانستان؛
- سخنرانی در همایشی، در جامعه مدنی؛
- سخنرانی در محفلی، در ولایت کابل؛
- سخنرانی در شهرستان یفتل پایان ولایت بدخشان؛
- سخنرانی در ولایت خوست؛
- سخنرانی در ولایت ننگرهار.

۸- خط رهبر جلد سوّم؛ مجموع سخنرانی‌های ۱۳۸۸ رهبر شهید؛ حاوی خطابه‌های ذیل است:

- سخنرانی رهبر شهید در مراسم بزرگداشت از امام جعفر صادق W ؛

- سخنرانی رهبر شهید در مراسم بزرگداشت از روز عاشورا؛

- سخنرانی رهبر شهید در مراسم فاتحه‌یکی از فرماندهان جهادی ولایت لغمان؛

- سخنرانی رهبر شهید در افتتاحیه مسجدی در بازارک ولایت پنجشیر؛

- سخنرانی رهبر شهید به مناسبت سالگشت شهید سید مصطفی کاظمی؛

- سخنرانی رهبر شهید در همایش فراغت حافظان قرآن کریم؛

- سخنرانی رهبر شهید به مناسبت افتتاح یکی از مؤسّسات تحصیلات عالی کشور؛

- سخنرانی رهبر شهید در همایش انتخاباتی داکتر عبدالله عبدالله؛

- سخنرانی رهبر شهید در افتتاح معهد الأزهر.

۹- خط رهبر جلد چهارم؛ مجموع سخنرانی‌های ۱۳۸۷ رهبر شهید؛ حاوی خطابه‌های ذیل است:

- سخنرانی در کنفرانس اعلام مواضع جمعیت؛

- سخنرانی در شهرستان نهرین ولایت بغلان؛

- سخنرانی در کنفرانس مجمع ملی جوانان افغانستان؛

- سخنرانی در همایش هفتمین سالروز شهادت قهرمان ملی؛

- سخنرانی در دومین اجلاس اخوت اسلامی؛

- سخنرانی در مراسم افتتاح مسجد حضرت بلال ~ ؛

- سخنرانی در همایش سالگشت شهدای پانزدهم عقرب بغلان..؛

- سخنرانی به مناسبت سالگرد شهادت عبدالحی حقجو آمر عمومی

جمعیت اسلامی افغانستان در ولایت بغلان؛

- سخنرانی در کنفرانس بین‌المللی اخوت اسلامی افغانستان؛
 - سخنرانی به مناسبت روز عاشورا، در مسجد محمدیه؛
 - سخنرانی به مناسبت روز عاشورا، در مسجد عیدگاه؛
 - سخنرانی در مراسم یادبود عاشورای حسینی؛
 - سخنرانی به مناسبت فراغت دانشجویان دانشکده شرعیات ..؛
 - سخنرانی در گردهمایی جوانان جمعیت اسلامی افغانستان؛
 - سخنرانی به مناسبت بزرگداشت از قیام سوم حوت ۱۳۵۸ هـ ش؛
 - سخنرانی به مناسبت میلاد خجسته رسول آزادی Y ؛
 - سخنرانی در میان مردم ننگرهار؛
- ۱۰- خط رهبر جلد پنجم؛ مجموعه سخنرانی‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ خورشیدی رهبر شهید است که در دو بخش تنظیم گردیده‌است که حاوی این خطابه‌هاست:
- بخش نخست:**
- خطابه‌های ۱۳۸۶ هـ ش، رهبر شهید پروفسور برهان‌الدین ربانی
 - در همایش اعلان جبهه ملی؛
 - در همایش تجلیل از؛ ۲۲ حمل؛ سالروز آغاز جهاد مسلحانه در ولایت بدخشان؛
 - در جلسه افتتاحی جرگه امن؛
 - در همایشی به مناسبت تجلیل از ششمین سالگشت شهادت قهرمان ملی؛
 - در همایشی از شورای اخوت اسلامی؛
 - در همایش بزرگداشت از شهادت سید مصطفی کاظمی؛
 - در همایش بزرگداشت از شهدای حادثه بغلان.
- بخش دوم:**
- خطابه‌های ۱۳۸۵ هـ ش، رهبر شهید پروفسور برهان‌الدین ربانی
 - در همایشی به مناسبت تجلیل از سال نو؛

- د ثور اتمه په مناسبت؛
- در همایش تقدیر از برندگان دوّمین مسابقه شعر و ادب مسعود؛
- در همایشی به مناسبت نخستین سالگرد وفات مرحوم محمّد امین ناصر یار؛

- در مراسم فاتحه استاد توانا و مولوی محمّد یونس خالص؛
- در همایش پنجمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور شهید احمد شاه مسعود؛

- به مناسبت تجلیل از نزول قرآن کریم؛
 - در همایش فارغ التحصیلان دانشکده شرعیات دانشگاه کابل.
- ۱۱- خط رهبر جلد ششم، مجموع سخنرانی های ۱۳۸۴، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۳ رهبر شهید پروفیسور برهان الدین ربانی که در سه بخش تنظیم گردیده، حاوی این خطابه هاست:

بخش نخست:

خطابه های ۱۳۸۴ هـ ش، رهبر شهید پروفیسور برهان الدین ربانی

- در همایش بزرگداشت از میلاد پیامبر اسلام ﷺ؛
- در همایش گرامیداشت از حماسه سوّم حوت.

بخش دوّم:

خطابه های ۱۳۸۳ هـ ش، رهبر شهید پروفیسور برهان الدین ربانی

- در اجتماع ضرورت سازماندهی مجدّد و اعلام مواضع جدید جمعیت؛

- در مجلس گرامیداشت از دوّمین سالگرد شهادت الحاج عبدالقدیر؛
- در همایش گرامیداشت از سوّمین سالروز شهادت احمد شاه مسعود؛
- در همایشی به مناسبت اعلام موضع جمعیت در قبال انتخابات؛
- در همایش مشورتی مجمع عمومی متخصصان افغانستان؛
- در همایش بزرگداشت از دهه نزول قرآن کریم؛
- در دیدار با نمایندگان مردم بدخشان؛

- در همایش بزرگداشت از عاشورا و سوّم حوت؛
- در همایش بزرگداشت از روز جهانی زن.

بخش سوّم:

- خطابه‌های ۱۳۸۲ هـ.ش، رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی
 - در روز نخست سال نو بر سر مرقد سپه‌سالار شهید؛
 - در میان والیان ولایات کشور؛
 - در جمعی از نمایندگان ولایت باستانی غزنی در لویه‌جرگه؛
 - در همایش شورای مردم ولایت کابل؛
 - در جمعی از شهروندان کابل؛
 - در جمعی از علمای کشور؛
 - بررسی اولیت‌ها در قانون اساسی آینده؛
 - در محفل یادبود از سالروز شهادت غفورزی؛
 - در مراسم تجلیل از دوّمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور؛
 - در همایشی به مناسبت دوّمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور؛
 - در محفل ختم قرآن عظیم الشان؛
 - در محفل تجلیل از شکست نیروهای شوروی در افغانستان؛
 - به مناسبت دوّمین سالگشت شهادت فرمانده عبدالحق.
- ۱۲- «خط رهبر جلد هفتم» عبارت است از: مجموعه سخنرانی‌های حضرت استاد شهید (۱۳۸۰-۱۳۸۱):

بخش نخست

- خطابه‌های ۱۳۸۱ هـ.ش، رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی
- در جمعی از نویسندگان و فرهنگیان به مناسبت نخستین، سالروز شهادت قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود
- در جمع غفیری از استقبال‌کنندگان
- در سالروز تجلیل از اعلامیه جهانی حقوق بشر
- در محفل افتتاحیه حوزه علمیه خاتم النبیین

- در چهل و ششمین جشنواره فارغ التحصیلان دانشکده شرعیات دانشگاه کابل

- در جمعی از بزرگان و فرماندهان نظامی ولایات شمال
- در هنگام بازگشت از سفر حج
- در جمع سفیران و نمایندگان سیاسی کشورهای مختلف

بخش دوم

خطابه‌های ۱۳۸۰ هـ.ش

- در مراسم خاکسپاری قهرمان ملی کشور، شهید احمدشاه مسعود
- در مجلس سوگواری قهرمان ملی کشور، شهید احمدشاه مسعود
- در نماز جمعه ماه مبارک رمضان، در مسجد حاجی یعقوب، کابل
- در نماز جمعه ماه مبارک رمضان، در مسجد وزیر محمد اکبرخان،

کابل

- به مناسبت فرارسیدن عید سعید فطر، در مسجد جامع ارگ
- در مراسم انتقال قدرت
- در شهر لندن سال ۲۰۰۲ م.

۱۳- همگام خورشید، چند نیسته در مورد رهبر شهید است مطالب آن:

- استاد برهان‌الدین ربانی؛ متفکر و دعوتگر سترگ قرن بیست؛
- ریشه‌های فکری استاد و نقش او در معرفی نهضت اسلامی افغانستان؛
- از یادها و خاطره‌های رهبر شهید جهاد، مقاومت و صلح بردباری و

دگرپذیری؛

- استاد ربانی فراتر از جمعیت؛
- شکوه جنگل؛ درنگی بر کارنامه شهید استاد ربانی؛
- نظر کوتاه و گذرا بر ابعاد شخصیت شهید صلح استاد برهان‌الدین

ربانی؛

- جلوه‌ای از تازگی‌های دانش دینی رهبر شهید W ؛
- استاد ربانی شهید رهبر مبارزات و محور تحولات؛

- شُکوه عاطفه؛
- مُبارزه او دعوت د ارواح بناد استاد ربانی له نظره؛
- روسانو سره د شهید استاد ربانی د سولی د مذاکراتو لڼدیز؛
- یادواره؛
- استاد ربانی و نیم قرن مُبارزه؛
- سیاست خارجی دولت استاد ربانی، ۱۳۷۱ - ۱۳۸۰ هـ ش؛
- اخیراً ربانی کیست و ربانیت چیست؟.
- ۱۴ - قیام توفنده در قلب کشور؛ در اصل سخنرانی است، در مورد قیام سوّم حوت که در سال ۱۳۵۷ هـ ش، در کابل به راه انداخته شده بود؛
- ۱۵ - یادی از دو شهید؛ مطالب آن:
- فصل نخست
- یادی از استاد غلام محمّد نیازی شهید؛
- درآمد
- فعالیت‌های تعلیمی؛
- فعالیت‌های اداری؛
- فعالیت‌های سیاسی؛
- فصل دوّم
- پیغام شهید؛
- یادی از انجنیر حبیب الرحمن شهید؛ نخستین منشی جمعیت اسلامی افغانستان؛
- ۱۶ - پیغام رهبر جلد اوّل؛ مجموعه پیام‌های رهبر شهید، حاوی مطالب ذیل است:
- خطاب به مجاهدین سربکف جمعیت؛
- خطاب به دانشجویان مسلمان؛
- پیام نروزی؛
- پیام‌های عیدی.

- به مناسبت عید سعید فطر، تاریخ اوّل شوال المکرم ۱۴۰۱ هجری قمری؛

- به مناسبت عید سعید اضحی؛

- به مناسبت حلول عید سعید فطر، تاریخ: اوّل المکرم ۱۴۰۲ هـ.ق؛

- به مناسبت عید سعید فطر؛

- به مناسبت ششمین سالگرد قیام افتخارآفرین؛

- در پیوند به حق خود ارادیت ملّت مظلوم آذربایجان و تاجیکستان؛

- به مناسبت هفتمین سالگرد شهادت قهرمان ملی و هفته شهید؛

- به مناسبت وفات امام خمینی؛ رهبر انقلاب اسلامی ایران؛

۱۷- پیغام رهبر جلد دوم؛ مجموعه پیام‌های رهبر شهید است که در سال‌های متفاوتی تحریر یافته‌اند که گردگردآوری شده که شامل این پیام‌هاست:

پیام‌های آزادی (۸ ثور و ۲۴ حوت):

- به مناسبت هشتم ثور؛ هجدهمین سالروز پیروزی مجاهدین؛

- به مناسبت هشتم ثور؛ هفدهمین سالروز پیروزی مجاهدین؛

- به مناسبت قیام ۲۴ حوت.

پیام رمضانی:

- به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان.

پیام‌های عیدی:

- به مناسبت فرارسیدن عید سعید فطر؛

- به مناسبت فرارسیدن عید قربان؛

- به مناسبت عید سعید فطر؛

- به مناسبت عید سعید قربان.

پیام‌های همدردی:

- به مناسبت شهادت جنرال محمدداود داود و جنرال شاه‌جهان نوری؛

- به مناسبت شهادت احمدولی کرزی؛ رئیس شورای ولایتی کندهار؛

- به مناسبتِ شهادت مولانا عبدالرحمن سیّد خلی؛ فرمانده پولیس ولایت کندز؛

- پیام تسلیّت؛ به مناسبتِ حادثه المناک توفان و برف کوچ سالنگ؛
- به مناسبتِ وفات ظاهر جان؛ یکی از فرماندهان سابق جمعیت اسلامی افغانستان؛

- به مناسبتِ وفات استاد غلام سرور همایون؛
- به مناسبتِ درگذشت ملا نقیب الله آخندزاده؛
- پیام تسلیّت به مناسبتِ وفات پدر آقای احمدی نژاد رئیس جمهوری اسلامی ایران؛

- پیام همدردی با مردم غزه، عنوانی پروفسور نجم الدین اربکان رهبر حزب سعادت ترکیه؛
- به مناسبتِ فاجعه لندن؛

- به مناسبتِ شهادت میرویس صادق؛ وزیر هوانوردی و فاجعه اخیر هرات؛

- به مناسبتِ درگذشت دکتور عبدالحی الهی؛
- به مناسبتِ سوّمین سالگرد وفات دگر جنرال سمیع الله قومندان فرقه کنرها؛

- پیام همدردی به مناسبتِ زلزله ای در ایران؛
- پیام تعزیت پروفسور برهان الدین ربانی، به رئیس شورای نظار؛
انجنیر احمد شاه مسعود، به مناسبتِ کربلای سرطان؛
- به مناسبتِ شهادت استاد فیض الرحمن فایض.

پیام های متفرقه:

- به مناسبتِ همایش جوانان حزب سعادت ترکیه در شهر ازمیر آن کشور؛

- پیام رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان؛ عنوانی صدراعظم پاکستان.

۱۸- د رهبر پیغام؛ مجموعه پیام‌های رهبر شهید به زبان پشتوست که شامل این پیام‌هاست:

- د نیکمرغه لوی اختر په مناسبت؛
 - دکمکی اختر په مناسبت؛
 - د لوی اختر په مناسبت؛
 - د دیوبند دارالعلوم دیوسلو پنځوسمی کالیزی په مناسبت.
- ۱۹- پیغام رهبر جلد سوّم که به مناسبت‌های مختلف، در سال‌های مختلف توسط رهبر شهید، نگاشته شده‌اند، شامل این پیام‌هاست:

۱- پیام‌های همدردی:

- به مناسبتِ شهادت غم‌انگیز نخبگان نهضت اسلامی؛
- به مناسبتِ شهادت بزرگ‌مرد عالی‌مقام، شیخ عبدالله عزام؛
- به مناسبتِ شهادت قهرمان ملی کشور؛
- به مناسبتِ شهادت معلم نیک‌محمّد.

۲- پیام‌های پیروزی:

- به مناسبتِ فتوحات مزار شریف، سمنگان و سایر مناطق کشور؛
- به مناسبتِ فتح زیباک و اشکاشم، عنوانی برادر سیّد نجم‌الدین واثق.

۳- پیام‌های عیدی:

- به مناسبتِ حلول عید سعید قربان؛
- به مناسبتِ حلول عید سعید فطر؛
- به مناسبتِ عید سعید فطر؛
- به مناسبتِ عید سعید فطر.

۴- پیام‌های متفرقه:

- خطاب به علما، فرماندهان و بزرگان حوزه‌های انتخاباتی؛
- به مناسبتِ آغاز نشرات جریده مجاهد در کابل؛
- به رئیس کنفرانس کشورهای اسلامی.

۲۰- «پیغام رهبر جلد چهارم» پیام‌هایی از استاد شهیدند که در

- مناسبت‌های مختلف ابلاغ کردند و هریک قرار ذیل است:
- به مناسبت قیام اسلامی ملت مسلمان فلسطین؛
 - به مناسبت شهادت رادمرد دلیر محمد اسماعیل طارق؛
 - به مناسبت غوغای حلّ سیاسی در افغانستان؛
 - به مناسبت آغاز دور دوم نشرات جریده مجاهد؛
 - به فرماندهان، مجاهدین و ملت مسلمان و قهرمان افغانستان؛
 - به مناسبت سال جدید ۱۳۶۳ هـ ش؛
 - به مناسبت سالروز سیاه شش جدی سال ۱۳۶۴ هـ ش؛
 - به مناسبت آغاز سال نو ۱۳۶۵ هـ ش؛
 - به مناسبت حلول سال نو ۱۳۶۶ هـ ش و هشتمین بهار خونین میهن؛
 - به مناسبت عید سعید اضحی سال ۱۴۰۸ هجری قمری؛
 - به مناسبت توطئه تجاوزگران روسی.
- ۲۱- نگاهی به آثاری از استاد شهید جلد اول، شامل این نوشته‌ها و خطابه‌هاست:

- سخنرانی دکتر سیدمخدوم رهین؛
- سخنرانی داکتر عبدالله عبدالله؛
- سخنرانی استاد محمد محقق؛
- نگاهی به همگام خورشید؛
- در حاشیه آموختنی‌هایی در مسیر انقلاب اسلامی؛
- سخنرانی میر آقا حقیقو؛
- نگاهی به کتاب چه نوع مبارزه؟؛
- سخنرانی مولوی کمال الدین حامد؛
- بازتاب اندیشه‌های استاد، در کتاب خط رهبر جلد اول؛
- نگاهی به خط رهبر جلد دوم؛
- نگاهی به خط رهبر جلد سوم؛
- تأملی بر اثر «سکوت وحشتناک»؛

- نگاهی به قیام توفنده در قلب کشور؛
 - د «محمد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت» اثر ته یوه لنده کتنه؛
 - نگاهی به جنبه‌های ادبی آثار استاد شهید؛
 - قلم و زبان رهبر؛
 - سخنرانی صلاح‌الدین ربانی؛
 - دعایه مولوی کفایت‌الله.
- ۲۲- نگاهی به آثاری از استاد شهید جلد دوم؛ شامل این نبشته‌ها و خطابه‌هاست:

- سخنرانی محترم عبدالهادی ارغندیوال؛ رئیس حزب اسلامی افغانستان و وزیر پیشین اقتصاد؛
- سخنرانی محمدیونس قانونی؛ معاون پیشین ریاست جمهوری؛
- چهره‌نگاری بنیان‌گذار نهضت؛ استاد شاداب؛
- نگاهی به رساله‌یادی از دو شهید؛ عبدالوهاب عمار؛
- استاد نویسنده.. دکتور محی‌الدین مهدی؛
- نگاهی به پیغام رهبر، جلد اول.. حجة‌الاسلام سیّد هادی هادی؛
- نگاهی به خط رهبر، جلد چهارم؛ سیده مرگان مصطفوی؛
- نگاهی به خط رهبر، جلد چهارم؛ عبدالوهاب عمار؛
- سخنرانی صلاح‌الدین ربانی؛ رئیس جمعیت اسلامی و وزیر امور خارجه؛

- دعایه مولوی شفیع‌الله نورستانی.
- ۲۳- نگاهی به آثاری از استاد شهید جلد سوم که مطالب آن:
- سخنرانی محترم عبدالشکور واقف حکیمی؛
 - سخنرانی دکتور محمددویب الشریف مصری به عربی، همراه با ترجمه فارسی؛

- سخنرانی محترم دکتور عنایت‌الله خلیل هدف؛
- سخنرانی محترم استاد نجیب فہیم، نگاهی به خط رهبر جلد پنجم؛

- نیم نگاهی به کتاب خط رهبر جلد پنجم؛
- مقام شهید استاد ربانی؛ در عرصه علم، جهاد و مقاومت، سیاست و صلح؛
- د شهید استاد د پنځم تلین په مناسبت، د هغه څلورو پیغامونو ته یوه کتنه؛

- نگاهی به پیغام رهبر، جلد دوم؛
- شهید استاد ربانی؛ نیم قرن مبارزه و تلاش؛
- دمی با استاد سخن، فضلی آماج؛
- اختتامیه و دعائیه، مولوی حبیب الله حسام.
- ۲۴- نگاهی به آثار از استاد شهید جلد چهارم، هم مجموعه مقالات است از دانشمندان این دیار که در مورد آثار چاپ شده در سال ۱۳۹۶ و از زوایای مختلف به این اثرها چشم انداختند و نوشتند که قرار ذیل اند:
- سخنرانی محترم ویس احمد برمک، وزیر امور داخله و رئیس کمیسیون برگزاری هفته شهید؛
- سخنرانی محترم داکتر عبدالله عبدالله، رئیس اجراییه جمهوری اسلامی افغانستان؛
- سخنرانی محترم عبدالهادی ارغندیوال، رئیس حزب اسلامی افغانستان؛

- نگاهی به اثر کاروان حرم، نوشته دکتور سید ابراهیم حکمت؛
- تحلیل و ارزیابی جلد سوم پیغام رهبر، عبدالعلی کوهی/ استاد دانشگاه کابل؛

- استاد ربانی فقید در آینه دریافت من، گیتی سادات؛
- ویژگی های خط رهبر، عبدالبشیر فکرت، استاد دانشگاه کابل؛
- جمع بندی محفل، توسط عبدالشکور «واقف حکیمی» عضو شورای رهبری و سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان؛
- دعائیه مولوی صاحب گل احمد احمدی، استاد دانشگاه.

۲۵- معالَم فی الکفاح، ترجمه چه نوع مبارزه؟ به زبان عربی است که حاوی مطالب ذیل است:

- کلمه فضیله الدكتور محمد دویب الشریف، رئیس البعثة الأزهرية، بأفغانستان، في حفل تخريج الكتاب؛
- تقدیم الأستاذ الدكتور عنایتالله خلیل هدف الأستاذ الجامعي ومن أصحاب المرشد الشهيد؛

- من هو برهانالدين رباني؟ به قلم مترجم؛

- مدخل؛

التَّعَرُّفُ عَلَى مَفْهُومِ الْكِفَاحِ؛

إِخْلَاصُ النِّيَّةِ فِي الْكِفَاحِ؛

الْفِرَاسَةُ فِي الْكِفَاحِ؛

الاستِقَامَةُ فِي الْكِفَاحِ.

۲۶- سخنانی از مرشد روشن ضمیر، گزیده‌ای از سخنان رهبر شهید است که به مناسبت‌های مختلف گفته و نوشته‌اند.

۲۷- «فرو مُرد قنديل محراب‌ها» مجموعه مقالاتی در مورد رهبر شهید است، که شامل این مقاله‌ها می‌شود:

- به جای درآمد؛

- استاد، دعوتگر مبارز و نستوه و سیاست‌مدار دورنگر / پوهندوی استاد عنایت‌الله شاداب؛

- استاد پیش از آب موزه نمی‌کشید / پوهندوی استاد عنایت‌الله شاداب؛

- توجّه رهبر شهید به امر تعلیم و تربیه در دوران جهاد و هجرت / مرحوم استاد محمد نسیم فقیری رحمه الله؛

- ناگفته‌هایی از استاد / همنوا؛

- مرد بزرگ، با مواقف بزرگ / دکتر عنایت‌الله خلیل هدف؛

- فرو مُرد قنديل محراب‌ها / وحید مژده؛

- در مشهد عشق، جز نکو را نکشند! / وحید مژده؛

- نقش استاد ربانی در صلح تاجیکستان / دکتر شمس الحق آریانفر؛
- استثناء آت شخصیت و کارنامه رهبر بزرگ جهاد و مقاومت / دکتر
شمس الحق آریانفر؛

- یادی از زندگی شهید استاد برهان الدین ربانی.. / سید محمد خیرخوا؛
- رهبر در یک نگاه / عبدالحی خراسانی؛
- استاد شهید، از روشنگری و دعوت، تا بیدارگری / پوهندوی جلال
فرهیخته؛

- یادی از شهید صلح و هم قطاران / پوهاند نعمت الله شهرانی؛
- به یاد پیر خرد منطقه.. / عبدالقیوم ملکزاد؛
- ای سفرکرده ای که صد قافله دل همراه توست! / عبدالقیوم ملکزاد؛
- توجه استاد شهید؛ به امور فرهنگ و تعلیم و تربیت / ثمرالدین ثامر؛
- شهید برهان الدین ربانی؛ نماد جهاد و صلح / سیدهادی خسروشاهی؛
- سالنگ ها؛ یک روز با رهبر شهید / سید آقا حسین سانچارکی؛
- مهاجرت رهبر شهید، از زبان خودش / حامد علمی؛
- شهادت استاد ربانی؛ نماد جنایت پیشگی تروریزم / عبدالمعین شاهد؛
- یک سال پس از شهادت پروفسور برهان الدین ربانی / دکتر
صاحب نظر مرادی؛

- استاد ربانی، و روزهای تلخ و دشوار حیات سیاسی / محمد اکرام
اندیشمند؛

- شهید پروفسور برهان الدین ربانی؛ یکی از مصلحان جهان و رهبر
جهاد و مقاومت در افغانستان / عبدالعلی کوهی؛
- پروفسور شهید استاد ربانی؛ صدای آزادی دیروز، امروز و فردای
افغانستان / پوهنوال عبدالعلی کوهی؛
- پروفسور برهان الدین ربانی؛ فرزانه مرد نیک اندیش و تاریخ ساز /
ضیاء الحق مهرنوش؛

- صلح؛ آرزوی استاد شهید / سید احسان الدین طاهری؛

- خاطره‌ای از رهبر آموزگار / دلاور نسیمی؛
 - استاد شهید؛ به نقش جوانان در پیشبرد انقلاب اسلامی به خوبی آگاه بود / نذرالله عنایت؛
 - استاد ربانی؛ در محراق تحولات سیاسی افغانستان / عزیزاحمد بارز؛
 - جایگاه اجتماعی و سیاسی استاد شهید و انگیزه‌های گزینش آن برای اعاده صلح در افغانستان / رحم‌الدین طیب؛
 - تبلوری از جلوه‌هایی شخصیت شهید استاد ربانی / عبدالحفیظ همام.؛
 - ای کاش می‌گرفت، به جای تو، دستِ مرگ، جان تمام قوم و تمام قبیله را / فوزیه کوفی؛
 - بر نمی‌گردد... / داکتر جمрад جمشید؛
 - رهبر شهید، نابغهٔ ناتکرار / انجنیر فریدون فرهمند؛
 - به یاد استاد شهید / عبدالحق امیری؛
 - استاد شهید W مرا به فراگیری درس تشویق کرد / نظام‌الدین حکمتیار مدقق؛
 - استاد! از لبخندهای تان عکس گرفتم / صدیقی لعلزاد؛
 - استاد، در حدیث بزرگان و نویسندگان / خیرالله خیرخواه.
- ۲۸- کاروان حرم، مطالب آن:
- کاروان حرم؛
 - آزادی از دیدگاه اسلام؛
 - اسلام و نیازمندی بشریت به آن در عصر راکت؛
 - زندگی سعادت‌مند در سایهٔ ارشادات اسلام؛
 - اسلام در راه مُبارزه با خرافات؛
 - تربیهٔ طفل از نظر اسلام؛
 - وظیفه از نظر اسلام؛
 - قربانی در راه خدا عالی‌ترین صحنهٔ آزمون؛

- هدف و مرام؛
- عقل و فکر در دین اسلام؛
- رابطه میان عقل و دین؛
- کدام یک؛ انسجام ملی یا اتحاد اسلامی؟ یا هر دو؟
- درسی از مکتب صیام؛
- رمضان ماه خودسازی و دگرگونی؛
- سرانجام حق پیروز می شود؛
- به پیشگاه آیین ابدیت؛
- بزرگ ترین اعجاز تاریخ؛
- به یادبود مصلح اعظم.

۲۹- «در سایه های قرآن» حاوی مطالب ذیل است:

- مقدمه مترجم؛
 - مقدمه مؤلف؛
 - سوره فاتحه؛
 - مقدمه سوره فاتحه؛
 - سوره بقره؛
 - مقدمه سوره؛
 - درس نخست) دعوت مردم به سوی توحید از آیه ۱-۲۹؛
 - درس دوم) خلافت آدم در زمین از آیه ۳۰-۳۹؛
 - درس سوم) انکار بنی اسرائیل در برابر نعمات پی در پی خداوند متعال از آیه ۴۰-۷۴؛
 - درس چهارم) برحذر داشتن مسلمانان از یهود از آیه ۷۵-۱۰۳؛
 - درس پنجم) هدف یهود برگرداندن مسلمین از دینشان است از آیه ۱۰۴-۱۲۳؛
 - درس ششم) داستان ابراهیم از آیه ۱۲۴-۱۴۱.
- ۳۰- «ما کیستیم و چه می خواهیم؟» مجموعه از دست نوشته های

حضرت استاد شهید است که قرار ذیل اند.

دفتر نخست: تربیت یافتگان مکتب پیامبر

- نگاهی به زندگی ابوعبیده بن جراح ~ ؛

- نظری به زندگی مصعب بن عمیر ~ ؛

- سعد بن معاذ ~ ؛

- سید الشهداء امام حسین ~ ؛

دفتر دوم: ما کیستیم و چه می خواهیم؟

- تفاوت این گروه با دسته های دیگر؛

- مسئولیت حکومت در اسلام؛

۱ - اصل مساوات؛

۲ - تأمین آزادی و عدالت اجتماعی؛

۳ - عمران و آبادی کشور؛

۴ - تعمیم دعوت و نشر فرهنگ اسلامی؛

۵ - نظارت بر سلامتی محیط و رشد اخلاقی جامعه؛

۶ - فراهم آوردن امکانات زندگی بهتر و رفاه جامعه؛

صف بندی ها در برابر حرکت؛

۱ - مؤیدان؛

۲ - مترددان؛

۳ - عیب جویان؛

مزدوران خارجی؛

- موقف جمعیت در برابر سازمان های سیاسی و فرهنگی؛

- دشواری ها؛

دفتر سوم: نگاهی به کارنامه های جمعیت اسلامی افغانستان

- در بُعد سیاسی؛

- در بُعد نظامی؛

- در بُعد تعلیمی و فرهنگی؛

- در بُعد خدمات اجتماعی؛

- اوضاع کنونی و موقف ما.

۳۱- «استاد و ارزش‌های جهاد و مقاومت» حاوی مطالبی است که دانشمندان این سرزمین تحت همین عنوان در سیمیناری علمی ایراد فرمودند.
- حکومت مطلوب در عمل و اندیشه سیاسی استاد، از: پوهنمل استاد سید عنایت‌الله شاداب؛

- چپستی جهاد.. از: عبدالباری راشد، رئیس پیشین اکادمی علوم افغانستان؛

- استاد ربانی و بسیج مردمی، از: دوکتور عنایت‌الله خلیل هدف؛

- مقاومت و مشارکت اقوام، از: داکتر محی‌الدین مهدی؛

- اندیشه سیاسی استاد ربانی، از: عبدالحفیظ منصور؛

- نقش زن در اندیشه استاد شهید، از: زینب موحد؛

- جمعیت اسلامی و ارزش‌های انسانی و جهانی، از: استاد غلام‌رسول قزلق؛

- جهاد افغانستان و استقلالیت سیاسی... از: دکتور هجرت‌الله جبرئیلی.

۳۲- نیم‌قرن مبارزه و رهبری، مجموعه سخنرانی‌های سیمیناری است که شخصیت و رهبری و مبارزه استاد شهید در چهار پنبیل: (دهه دموکراسی و تشکیل نهضت اسلامی؛ جهاد مردم افغانستان، دولت اسلامی و مقاومت ملی؛ نخستین انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در افغانستان و صلح) مورد بحث قرار گرفته بود.

و کتاب‌هایی که امسال به‌دسترس خواننده گرامی قرار گرفته است:

۳۳- نظام سیاسی اسلام؛

۳۴- مرد نمیرد به مرگ؛ مجموعه مقالات در مورد رهبر شهید؛

۳۵- خط رهبر جلد هشتم، مجموع سخنرانی‌های متفرقه رهبر شهید؛

۳۶- پیغام رهبر جلد پنجم؛

۳۷- آینده مجاهدان از فرو گذاشت مؤمنان تا دسیسه ستمگران؛

۳۸- نگاهی به آثاری از استاد شهید، جلد پنجم.

کار ما؛

البته کار ما در آثار استاد شهید، این گونه است:

در گام نخست؛ پس از پیاده کردن متن نبشته و یا سخنرانی رهبر شهید از نوار، مطابق به دستورالعمل تدوینی خویش دست به تصحیح و ویرایش می زنیم و از آن بعد، در کنار مُعرّفی نام‌ها، اماکن، گروه‌ها، اصطلاحات، استخراج احادیث، ارجاع آیات، مستندسازی روایات و نقل قول‌ها، ترجمه آیات، احادیث و متون عربی و توضیح نکات قابل توضیح و تدوین رویکردها، نمایه‌ای از آیات، احادیث، اشعار، اشخاص، اماکن، احزاب، گروه‌ها و مفاهیم وارده در کتاب را در پای آن ردیف می کنیم.

اخیراً، از همه استادان و فرهیختگانی که به هرنحوی به ما کمکی کردند و دست یاری به ما دراز کردند، سپاسگزاری می کنیم و خداوند این همه زحمات‌شان را در میزان حسنات‌شان بیفزاید و به خصوص از کسانی که در این همایش رونمایی شرکت ورزیدند و علی‌الأخص از برادران عزیز هریک: خیرالله خیرخواه و دلاور نسیمی و رحیم الله حقجو و محمد کامل عمران که در کار تدوین و تحشیه یار و یاور مرکز تدوین بودند، صمیمانه قدردانی می کنیم و از الله بزرگ مسئلت داریم که این همه عرق ریزی‌های را درج برگه حسنات‌شان کند.

در کل از شما خواننده عزیز هم که آهنگ خواندن این اثر را کرده‌ای ممنونیم، عزم را می ستاییم و اجرت را بر خدا موکل می کنید.

فضلی آماج

رئیس مرکز تدوین آثار رهبر شهید

سخنرانی داکتر عبدالله عبدالله
رئیس اجراییه جمهوری اسلامی افغانستان



الْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ لَانَبِيَّ بَعْدَهُ؛ اَمَّا بَعْدُ:
 فَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * ﴿إِنَّ اللَّهَ
 يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنَيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾^۱
 (خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او متحد و یک پارچه در خط
 و صف واحدی می‌رزمند، انگار دیوار سربی بزرگی اند.)

**بزرگان کشور! رهبران سیاسی و جهادی! دانشمندان! اعضای
 محترم پارلمان! مجاهدین! خواهران و برادران عزیز!**
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

به مناسبت [پنجمین محفل] رونمایی آثار استاد شهید، شهید صلح،
 رئیس‌جمهور پیشین دولت اسلامی افغانستان، رهبر جمعیت اسلامی
 افغانستان، یک‌بار دیگر مراتب تسلیت و تبریک خود را - چون در آستانه
 سالروز شهادت استاد قرار داریم - خدمت برادر محترم صلاح‌الدین ربانی،
 فرزند ارشد استاد، رئیس جمعیت اسلامی و وزیر خارجه جمهوری اسلامی
 افغانستان، خانواده‌شان، هیئت رهبری جمعیت اسلامی افغانستان و تمام
 مجاهدین و مردم افغانستان به عرض می‌رسانم و اتّحاف دعا می‌کنیم به روی
 تمام شهدای افغانستان، به خصوص استاد شهید، شهید صلح، آمرصاحب
 شهید، قهرمانی ملی کشور، استاد عبدالعلی مزاری شهید، شهید وحدت
 ملی، استاد کاظمی شهید، حاجی عبدالقدیر شهید و همه شهدای کشور و
 شهدای سرزمین که امروز هم در دفاع از تمامیت ارضی کشور و سلامت

کشور در سنگرها، جان شیرین شان را نثار می‌کنند.

به مناسبت یادبود از کارنامه یک رهبری که بیشتر از نیم قرن مبارزه کرده، علما و دانشمندان بعدتر صحبت‌هایی خواهد داشتند که ان شاء الله تا جایی که وقت میسر باشد، مستفید خواهد شدیم؛ اما جا دارد از مرکز تدوین آثار رهبر شهید، از آقای فضل‌ی آماج که بیشترین بار را به عهده گرفتند، تشکر کنیم، به خاطر کار پیگیر شان از زمان شهادت استاد؛ تا به امروز که در آینده‌ها هم ادامه پیدا می‌کند. این چنین زنده نگهداشتن میراث معنوی استاد شهید - که در گفته‌هایش، در نوشته‌هایش، در روش و رفتارش و در موضع‌گیری‌هایش که مردم ما، در مرحله‌های مختلف تاریخ افغانستان شاهد آن بودند و امروز بیشترین شان در این آثار جمع شده و نظریات دانشمندان هم در مورد این آثار نشر شده، تدوین شده است - کار بسیار بزرگی است.

استاد شهید در تاریخ مبارزاتش، با تأسیس جمعیت اسلامی افغانستان و در دوره‌های مختلف تاریخ معاصر کشور افغانستان، تأثیر گذارترین جریان در تحولات کشور بوده است، چه در زمان جهاد و چه در دوره دولت اسلامی افغانستان، و چه در دوره مقاومت و بالآخره انتقال مسالمت‌آمیز قدرت، بعد از شهادت آمر صاحب شهید و حوادثی که در سطح جهان صورت گرفت. سازمانی را که استاد اساسش را گذاشت و وسعتش و عمقش در جامعه تا جایی است که امروز نسل سوم فرزندان‌شان در جامعه فعال اند.

کسی که یک اندازه کار سیاسی را کرده باشد، سنگینی کار را درک کرده می‌تواند که به چه حد و اندازه این کار، یک کار سنگین بوده که در آن زمان صورت گرفته است. در این هم شک نیست که در مرحله‌های مختلف و در زمانش، استاد شهید تصامیم مختلفی هم گرفتند و موضع متفاوت هم داشتند؛ اما بالآخره سلامت این نهاد حفظ شده که برای ثبات کشور و برای سلامت کشور فکر می‌کنم یک سرمایه است. در پهلوی این، استاد شهید، یک الگو هم است برای هر کسی که قصد مبارزه داشته باشد یا خواسته باشد تأثیرگذاری مثبت در اوضاع کشور داشته باشد. باید ببیند که از کجا آغاز کرده

در چه اوضاعی و با چه مشکلاتی ادامه داده و چه مراحلی را طی کردند؟ به همه حال؛ من نمی‌خواهم وقت زیاد دانشمندان را که بعداً در باره آثار صحبت می‌کنند را بگیرم؛ اما استاد بزرگ، در حالی که یک عالم بسیار بزرگ بود، یک سیاست‌مدار برجسته بود، یک رهبر بزرگوار بود در این کشور، یک شخصیت حلیم بود، یک شخصیت نظم‌پذیر بود، تعمق داشت، صبر و حوصله داشت، ادب و احترامی که به خورد و بزرگ داشت، همه‌اش یک نمونه بود، در عین حال با وجود رأفت و مهربانی‌ای که داشت در زندگی‌اش تصامیم بسیار بزرگ هم گرفته و بسیار قاطع هم بود در تصامیم خود که اینها هرکدامش گوشه‌هایی از شخصیت استاد شهید است که در اینجا بزرگان جمعیت اسلامی هم حضور دارند و شخصیت‌های سیاسی خارج از جمعیت اسلامی هم حضور دارند. هر کدام با همان اندازه‌آشنایی که با استاد شهید داشتند، خاطراتی، از استاد دارند که من فکر می‌کنم آنچه را من مختصر عرض کردم و یا می‌خواهم عرض کنم آن را تأیید می‌کند.

چیزی که در مورد شخصیت علمی استاد شهید، گفتنی است، در پهلوی اینکه، یکی از خصیصه‌های استاد همان عمق علمی بحث ایشان که مطرح می‌کند و این عقیده، فکر و مذهب‌شان را نشان می‌دهد، دیگری با ادبیات گفتاری و نوشتاری استاد است که هردوی آن یکی با دیگری در حال مسابقه است. واقعاً روانی و سلامتی که در نوشته‌های استاد دیده می‌شود حتی در طرح پیچیده‌ترین مسائل آن هم مثل مسائل فلسفی، سیاسی، عقیدتی و اجتماعی، قدرت نویسندگی استاد را نشان می‌دهد. اگر امروز در یک فضایی هستیم که تحت نام اسلام، مردم بی‌گناه مورد حمله قرار می‌گیرند، به مسجد حمله می‌شود، مدرسه انفجار داده می‌شود، شفاخانه سوزانده می‌شود و اگر از یک طرف تعبیر انحرافی از افکار اسلامی و عقاید اسلامی را می‌بینیم در عین حال طرفی که می‌تواند، ما را مسلح بسازد و مجهز بسازد، افکار شخصیت‌های مانند استاد شهید است که در میان هم‌قطاران خود یک سویه بلندتر از همه تبارز کرد و زندگی کرد و تا آخرین لحظه زندگی‌اش وقف

آرمان مردم و در راه خدا بود و بالاخره به خاطر کمک به صلح در این کشور - که نیاز مردم ماست - قدم آخرین را گذاشت که خداوند شهادت‌شان را محبوب داشته باشد و جای‌شان را با همه شهدا، بهشت برین داشته باشد.

در حالی که تصور از موقف‌های سیاسی در مراحل مختلف متفاوت بودند و در عرصه سیاست هیچ‌کسی هم دعوا کرده نمی‌تواند که در یک مسیر بدون اشتباه رفته و قدم گذاشته و از اول، تا به آخر بدون اشتباه بوده، استاد یکی از خصلت‌هایش همین بود که به یاران به راهروان و به پیروان خود همیشه توجه داشت و آنان را متوجه اشتباهات‌شان می‌ساخت و خصلت دیگری هم داشت که آدم عقده‌مند نبود، اوضاع سختی بر سر استاد آمده بود، در دوران‌های مختلف، شاید نظریات متفاوت می‌داشت؛ اما من هیچ رهبری را با همان زیبای و سنگینی ندیده‌ام. استاد در زمانی که انتقال قدرت صورت گرفت می‌گفت: امروز یک روز خوشی است برای من و من برای آینده کشور امیدوارم نسبت به هر وقت دیگر و به آینده بهتر مردم امیدوارم که مردم به یک مرحله دیگر و به یک فرصت‌های دیگری که به روی‌شان باز می‌شود قدم بگذارند و این بیانیه را جناب قانونی صاحب که تشریف دارند و وزیر صاحب دفاعی پیشین هم که تشریف دارند و یک تعداد شخصیت‌های دیگر هم شاید به یاد داشته باشند. جناب استاد شاداب تشریف دارند در این جا که در روز انتقال قدرت، این بیانیه را ارایه کردند.^۱ هم البته در این مسیر چیزهایی واقع شد و کارهای صورت گرفت و بالاخره دوره‌های انتخابات آمد که حال هم انتخاباتی در پیش رو داریم. راستی امروز مقاله‌ای را خواندم، وقت جای و چوکی ما را حتی رقمش را جور کردن.

در حالی که من طرفدار آزادی بیانم و حامی آنم؛ [اما نباید آزادی بیان چنین فهمیده شود که هرکه هرچه دلت خواست بگوید.] به هر صورت؛ ان‌شاءالله تصمیمی که ما می‌گیریم به اساس مشوره مردم خواهد بود، به

۱. متن کامل سخنرانی استاد شهید W را می‌توانید در جلد هفتم خط رهبر، ص، ۱۴۱ به صورت کامل بخوانید! «مرکز تدوین»

مصلحت مردم افغانستان خواهد بود و تصمیم ناقص نخواهد بود. همین قدر برای تان اطمینان می‌دهم این موضوع به اهداف شهادی ما ارتباط می‌گیرد که آن تعیین سرنوشت است و در تعیین سرنوشت تصمیم درست و اساسی گرفته خواهد شد.

فکر می‌کنم که روش استاد در اینجا هم بسیار قابل توجه است وقتی که مسائیل اساسی مطرح می‌شد او تصمیمی را که مقتضای فکر و عقیده و تجربه و دیدگاهش نسبت به آینده کشور بود را می‌گرفت.

بعداً ماها هم هرکدام این‌گونه یک سرمایه را در اختیار داشتیم اینکه با آن چه کردیم، در مراحل مختلف و اینکه چه نوع قضاوتی امروز و فردا می‌شود. طبعاً مردم افغانستان قضاوت آزاد خود را می‌کند؛ اما واقعیت هم همین بود که یک آرمانش همان حق تعیین سرنوشت به دست خود مردم افغانستان بود. در اینجا زجر هم دید رنج هم دید، تکلیف‌هایی را هم دید؛ اما من یقین دارم که ما در آستانه انتخابات قرار داریم. اگر استاد زنده می‌بود و ما در چنین یک وضعیتی می‌بودیم و از شفافیت انتخابات آینده مطمئن می‌بودیم، قطعاً که استاد در این بخشی از کار، قناعت کامل می‌داشت چون یکی از آروزهای استاد شهید و دیگر شهدا این بود که مردم در محور اهداف‌شان بوده باشند؛ نه اینکه از مردم به خاطر اهداف خود استفاده می‌کردند.

موضوع دیگر اینکه با همین بحث بایومتریک که از طرف مردم افغانستان مطرح شده و یک راه حل تلقی می‌شود، یک قسمت تشویش‌های مردم افغانستان از جمله احزاب سیاسی و نهادهای مدنی رفع شود.

باز هم آرزوی من همین است که کار کمیسیون انتخابات مختل نشود. چون هر قدمی که گذاشته می‌شود و اگر ما از توجه اصلی که بر تأمین شفافیت انتخابات است، به مختل شدن کار برویم، این کار یک صدمه‌ای است که بعداً قابل جبران نمی‌باشد.

از استاد و از مهربانی‌شان هم یاد کردیم و از قاطعیت‌شان، در پیوند به همین موضوع، یکی دو خاطره خدمت تان عرض می‌کنم و بعد در انتظار

شنیدن صحبت اساتید بزرگوار و دوستان می‌باشیم. یک وقتی در تهران کانفرانس ایکو دایر شده بود و در آن کانفرانس آقای جنرال مشرف هم رئیس جمهور پیشین پاکستان، شرکت کرده بود و در همان فاصله چای نوشی - که بین صحبت‌ها و بین آغاز کنفرانس و شروع صحبت‌ها بود - با استاد چند دقیقه صحبت داشتند و ما در طرف دیگر با وزیرهای خارجه مصروف بودیم، صحبت که خلاص شد من گفتم: جناب استاد! همین جنرال صاحب مشرف را چه رقم یک نفر یافتید؟ گفتند: داکتر صاحب خدا خیر ما را پیش بیارد، در همین چند دقیقه کم، دریافتیم که او یک آدم منتشرالمزاج است، در همین جریانی که جناب استاد صحبت می‌کرد من متوجه جنرال مشرف بودم که بیانیه خود را تغییر داد. چون صحبت‌های جناب استاد، با وجودی که در قالب دیپلماتیک بود و ادب و احترام مسایل را مطرح می‌کردند؛ اما سخت بود. خلاصه بعد از همان دیدن با استاد و صحبت چند دقیقه‌ای، من دیدم که همین آدم منتشرالمزاج چشم‌هایش در پشت عینک شورک شورک می‌خورد و می‌خواست که بیانیه خود را تغییر بدهد، به همین خاطر قلمک زدن را شروع کرد و بیانیه خود را تغییر داد. حتماً او به این فکر بود که باز دارد می‌گوید: افغانستان که می‌سوزد، دل ما هم می‌سوزد! و از این نوع گپ‌هایی که متأسفانه تا به امروز می‌شنویم بلی؛ مشرف حتماً سخنانی از این دست که در افغانستان خون می‌ریزد و ما برادریم و همسایه بودیم و یکی می‌باشیم و یک‌جای هستیم، نوشته کرده بود؛ ولی وقتی صحبت‌های نسبتاً انتقادی؛ اما کاملاً واقعیت‌ها را در صحبت‌های استاد شنید و دید بیانیه خود را تغییر داد و همان نظم منتشرالمزاجی‌اش را در بیانیه‌اش دیدیم. واقعاً پانزده تا بیست دقیقه بعد از صحبت‌های استاد شهید، حقیقت درک استاد را در یافتیم.

خاطرات زیادی از استاد داریم و شماری از این خاطرات به اشخاص ارتباط می‌گیرد و خصوصاً که شخص در مجلس حاضر نباشد، من از گفتن خاطره اجتناب می‌کنم؛ لذا آن‌ها او‌ن‌ها را می‌گذارم به جایش.

به همه حال؛ برای شما آرزوی سلامتی داریم و باز هم یک‌بار دیگر تشکر

می‌کنم از جمعیت اسلامی افغانستان، به خاطر برگذاری این محفل؛ اما بالاتر از آن به خاطر زنده نگهداشتن میراث معنوی استاد شهید که متعلق به همه مردم افغانستان است، متعلق به یک حزب هم نیست، متعلق به یک منطقه افغانستان هم نیست؛ اگر به زبان فارسی نوشته شده، متعلق به یک زبان هم نیست؛ چون همه مردم افغانستان در اوضاع سخت و دشوار کشور تشنه دیدن و خواندن آثار همچو یک مرشدی است که یک عمر تجربه، علم، دانش و تعهد و استواری و استقامت را با شهادت خود، با خود برد؛ اما اثر و تأثیرش ماندگار خواهد بود.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

سخنرانی داکتر انوار الحق احدی
رہبر جبهه نوین ملی افغانستان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تشکر می‌کنم از اینکه من به این مجلس دعوت شدم و این افتخار را به من بخشیدید که چند کلمه‌ای را به ارتباط استاد شهید، در این مجلس پر شکوه ایراد کنم.

همچنان می‌خواهم در آغاز تسلیت بگویم به فامیل استاد شهید، به همه اعضای جمعیت اسلامی و به همه مردم افغانستان، به خاطر سالروز شهادت استاد گرامی!

من می‌خواهم در آغاز یک اعتراف کنم و آن اینکه من تقریباً پانزده سال قبل وقتی که رئیس بانک مرکزی بودم، در همین جا (هوتل کانتینتال) یک سیمیناری دایر شده بود، راجع به آمر صاحب شهید و من صرف به خاطری که احترام کنم آمده بودم و نه [در مورد آمر صاحب شهید] معلوماتی داشتم و نه هم قرار بود که من صحبت کنم؛ ولی بعد از نیم و یا یک ساعت که اینجا نشستم، تنظیم کننده از من خواست که به ارتباط این سیمینار و به ارتباط آمر صاحب شهید یک چند دقیقه صحبت کنم، طبعاً که من پذیرفتم؛ ولی فوراً درک کردم که من در یک حالت بسیار ضعیفی قرار دارم. ضعیف به این معنی که کسانی در این محفل شرکت کرده بودند [به شمول کسانی که] از خارج آمده بودند، از تاجکستان، ایران و از بعضی کشورهای دیگر، اما معلومات بسیار عمیق راجع به شخصیت آمر صاحب و مبارزه شان داشتند و [تعدادی هم] زندگی بسیار نزدیک با همراهان کرده بودند. مثلاً داکتر صاحب عبدالله

قصه‌هایی می‌کرد که [با خود می‌گفتم] راستی وقتی به چنین قصه‌هایی آگاه باشند، جای من نیست که در آن مجلس صحبت کنم، به هر حال خوب من هم از یک زاویه دیگر صحبت کردم. زیادتر به گونه تیوریک صحبت کردم. شخصیت شان را نه از این بابا که من ایشان را میشناختم؛ بلکه از کارهایشان استنباط کردم و به بحث گرفتم.

به هر حال آن سخنان من بد نبود، لطف کردند و قابل توجه شان قرار گرفت.

دیشب به من خبر دادند که یک چند کلمه در این سیمینار بگویم خوش شدم، گفتم لا اقل من استاد را می‌شناختم و خوب هم می‌شناختم و رابطه بسیار نزدیکی با هم‌ایشان داشتم. اگر راستش را بگویم خارج از حلقه فامیل، به سانی که به مرگ استاد شهید غمگین شدم به مرگ هیچ‌کس دیگری، غمگین نشدم.

به هر حال، به این اساس [در صحبت در مورد استاد شهید] احساس ضعف نمی‌کنم، مثلی که پانزده سال قبل در محفل آمر صاحب شهید کرده بودم.

راستی صحبت‌هایی که اینجا شد، بسیار عمیق بود، صحبت‌های داکتر صاحب نظری فوق‌العاده عمیق بود. صحبت‌های وکیل صاحب [منصور] بسیار خوب بود، صحبت‌های همه دوستان بسیار خوب بود. پیش از اینکه به بحث شروع کنم یک قصه یادم آمد، می‌خواهم با آن شروع کنم، من وقتی وزیر مالیه بودم، داکتر صاحب نادری مشاور اقتصادی رئیس صاحب کرزی بود، ما در اکثر مجالس بین‌المللی که می‌رفتیم، آنها هم می‌بودند و ما هم می‌بودیم، ترتیب قسمی بود که وزیر مالیه اول صحبت می‌کرد و باز داکتر صاحب نادری و داکتر صاحب دایم به انگلیسی به من می‌گفت «یو مای لنچ» یعنی چیزی را که من می‌خواستم بگویم تو گفتی. دیگر برای من چیزی نمانده! خوب من امروز او را درک می‌کنم، چون که چیزهایی را که من می‌خواستم بگویم اکثراً گفته شد؛ ولی به هر حال می‌خواهم چیزهایی

گفته شده را به شکل دیگرش و از نظر خود بیان کنم. خوب اصل موضوع هم بحث روی شخصیت [و آثار] استاد شهید است نباید فراموش کرد که یکی از برازندگی شخصیت‌شان این است که ایشان عالم بودند و در پهلوی اینکه عالم دین بودند، یک نقطه دیگر هم داشتند که ایشان لیاقت هم داشتند. یعنی در آن زمان برای هرکسی موقع بود که استعداد خود را از راهی شایسته‌سالاری تبارز بدهد، که راستی هم [این کار] انعکاس دهنده واقعیت‌های آن زمان بود و در هرجایی دیگر هم هنوز مردم بر اساس شایسته‌سالاری تعیین می‌شوند. استاد هم چنین شد، یعنی در نتیجه امتحان و در نتیجه لیاقت به الأثر می‌روند، در نتیجه همان لیاقت‌شان، استاد پوهنتون می‌شوند و ممکن هم همان موقف علمی و موقف دینی شان بود که در سیاست افغانستان یک تأثیر زیاد داشتند بلی؛ چون این جامعه [یک جامعه دینی است] و طبعاً همه ما موافقیم که او یک عالم برانده‌ای بود که نظریاتی را که پیش تر نظری صاحب سرشان صحبت کردند، در مورد ایشان قابل تطبیق است و این بحث هم قابل تحقیق است، بلی؛ تحقیق بیشتر صورت بگیرد که چه نوآوری‌هایی در این ارتباط دارند و به سطح جهانی هم یک بحث مقایسوی صورت بگیرد؛ تا ما جایگاه ایشان را تشخیص داده بتوانیم.

خوب؛ من گفتم که روابط ما به همراهی استاد شهید شخصی بود [یکی از مزایای نیک استاد این بود که] استاد نام خدا بسیار آدم خوش لباس بود؛ یعنی دایم ظواهرش فوق‌العاده خوب بود و ممکن این خوش‌لباسی استاد یک اساس شرعی هم داشته باشد. شاید به همین خاطر بود که به هرجایی که استاد می‌رفتند نام خدا بسیار خوب لباس می‌پوشیدند و ظواهرشان بسیار خوب بود. دستارشان بسیار مقبول بود، ریش‌شان بسیار خوب بود؛ اما چیزی که بسیار سر زبان مردم بوده، این بود که استاد یک شخص بسیار مهربان و این مهربانی را ما خود تجربه کردیم یعنی من همیشه وقتی که با استاد [می‌نشستم] احساس خودمانی می‌کردم، بسیار آسان بود که آدم همراه استاد رفیق شود. افتخار این را داشتم که دوست استاد شهید باشم و با ایشان

یک نوع احساس خودمانی بکنم و راجع به هر موضوع همراهشان صحبت کرده می‌توانستم و این یک خاصیت بسیار مهم استاد بود. مردمی هستند که می‌توانی چندین سال همراهشان بمانی؛ ولی باز هم احساس خودمانی همراهشان نمی‌کنی.

خوب [چیزی دیگری جزو مزایای شخصیتی استاد است اینکه] مردم دایم از حلم استاد صحبت می‌کردند. البته من در حالت قهر ایشان را ندیدم، یا در حالتی که کدام کسی کدام بی‌نزاکتی کرده باشد؛ ولی استاد به حلم [و بردباری] مشهور بود. صفت دیگری که ما در استاد آن را دیدیم، این است که استاد یک انسان بسیار متواضع بود.

من در روزهای عید یعنی سه روز عید اکثراً برای عید مبارکی به دیدن استاد می‌رفتم، دیدن استاد سیاف می‌رفتم، دیدن حضرت صاحب، پیر صاحب که خانه خود ما بود، دیدن محسنی صاحب می‌رفتم، این چهار و یا پنج نفر کلان‌های جهاد را به دیدنش می‌رفتم؛ البته من از هیچ‌کسی توقع نداشتم که ایشان هم به دیدن ما بیایند؛ ولی استاد چندین بار در عید به دیدن من آمده و من این کار را [نشانه‌ای از] تواضع شان را می‌دانم، در حالی که کسی از پیش‌شان چنین توقعی نداشت؛ اما ایشان بزرگی خودشان را نشان می‌داد: خلاصه؛ به عقیده من استاد یک انسان بسیار دوست‌داشتنی بود. خوب؛ این‌ها از جمله صفات شخصی‌شان بود؛ اما می‌خواهم به لحاظ سیاسی کمی صحبت کنم. اکثر مردم به لحاظ سیاسی با استاد ارتباط داشتند. استاد شخص باعقیده بود، شخصی بود که ارزش‌های قوی را حمل می‌کرد او تنها یک عالم نبود؛ بلکه عالم باعقیده بود و در عقیده‌ی وی تنها در مسایل دینی خلاصه نمی‌شد؛ بلکه او عقیده‌ی سیاسی هم داشت و به عقیده‌ی من این نکته بسیار مهم بود. من فکر می‌کنم که سیاست با عقیده یک لذت خاص دارد. چند سال قبل از طرف یک سایکالوژیست یک مطالعه شده بود که در دنیا چه کسانی در زندگی بسیار خوش‌اند، کسانی که پول داشتند؛ یا کسانی که قدرت داشتند؛ و یا هم کسانی که علم داشتند؛ و یا چیز دیگر؟ این مطالعه

را، تقریباً بالای دو هزار نفر انجام داده بودند و نتیجه‌گیری‌شان این بود که مردمی در زندگی خوش اند که یک داعیه‌ای در زندگی داشته باشند که ارزش داشته باشد برای تحقق ارزش‌های خود مبارزه کنند.

من فکر می‌کنم استاد نه تنها اینکه علم داشت؛ بلکه عقیده هم داشت و برای تحقق عقاید خود مبارزه می‌کردند و به این ارتباط باید بگویم که استاد جرأت هم داشت؛ چون وقتی که ایشان مبارزه می‌کردند، محیط مبارزه آنقدر مساعد نبود، بلکه محیط مبارزه فوق‌العاده با خطرات یکجا بود.

خوب قضیه طوری است که من شخصیت داودخان را در تاریخ افغانستان شخصیت مهم می‌دانم و زیاده‌تر از مسایلی را [که او به آن باور داشت و انجام می‌داد] تأیید می‌کنم؛ ولی داودخان یک شخصیت دیموکرات نبود او مخالفین خود را می‌کوبید و استاد در همان زمان برای تحقق ارزش‌های خود کوشش کردند و این حق‌ش بود که از آن ارزش‌ها دفاع کنند و این بسیار مهم هم است. پس از اینکه جهاد کامیاب شد، در آن وقت مبارزه برای هرکس آسان بود و این چنین در یک محیط دیموکرات هم مبارزه کردن آسان است؛ ولی در یک محیط که اختناق سیاسی موجود باشد، استبداد موجود باشد، در آن وقت، مبارزه کردن فوق‌العاده مهم است. به همین اساس است که مثلاً مردم از سیدقطب یاد می‌کنند، سیدقطب هم در چنین زمانی مبارزه می‌کرد که من یک وقتی بسیار زیاد از نظریات ناصر^۱ متأثر بودم و نظریات او را خوش داشتیم؛ ولی [باید اعتراف کرد که] ایستاد شدن در مقابل نظام ناصری فوق‌العاده جرأت می‌خواهد. ما می‌بینیم که سید قطب مرگ را به‌خاطر

۱. جمال عبدالناصر دومین رئیس‌جمهور، جمهوری عربی مصر بود که در ۸۱۹۱ میلادی، در اسکندریه مصر به دنیا آمد و در ۹۲ سپتامبر ۰۷۹۱ میلادی، به اثر سکت قلبی درگذشت. او نخستین رئیس‌جمهور مصر پس از محمد نجیب و پیش از انور سادات بود. ناصر طرح سوسیالیستی جمهوری عربی را پیشنهاد کرد. علاوه بر این، دستور داد تا ال‌زهر تغییراتی را در برنامه‌های درسی آموزش و پرورش که به‌زعم خودش، مصر را ضعیف کرده بود، ایجاد کند. در نتیجه، اجازه ایجاد مدارس مختلط و معرفی تکامل زیستی در برنامه درسی مدارس داده شد، او با این کار می‌خواست پیش‌روی جریان دعوت و بیدارگری اخوان المسلمین در مصر را بگیرد، جهت آگاهی بیشتر در مورد اعمال و کارهای ناصر، به این کتاب‌ها مراجعه کنید: کنش رئیس‌المصر، از محمد نجیب، ۴۸۹۱، قاهره: المکتب المصری الحدیث و اخوان المسلمین در کشتارگاه‌های ناصر، از جابر رزق، ۰۸۳۱، ناشر: تایباد. «مرکز تدوین»

عقیده‌شان قبول کرده بودند و کسانی که به خاطر عقیده خود و لو من از لحاظ سیاسی هم فکرشان نباشم؛ حاضر باشند که به خاطر عقیده خود خطر مرگ را قبول کنند، پیش من بسیار یک جایگاه بلندی دارند.

استادهم همین خطر را قبول کرده بودند و دیگر دوستان‌شان که در این راه می‌رفتند آنان هم این خطر را قبول کرده بودند. پیشتر هم به این مطلب اشاره‌ای شد با وجودی که فلسفه استاد، فلسفه انقلابی بوده از لحاظ سیاسی؛ ولی خودشان یک آدم معتدل بودند. پیشتر در این ارتباط نظری صاحب بسیار صحبت کردند و من نمی‌خواهم به تفصیل صحبت کنم؛ ولی من فکر می‌کنم که رشد جمعیت اسلامی در افغانستان به این اندازه، به همین موضوع ارتباط داشت؛ مثلاً گفته می‌شد در افغانستان در بین احزاب، حزب دیموکراتیک خلق افغانستان بسیار با دیسپلین است و نمی‌گذارد که مردم از یک طرف به طرف دیگر بروند و حزب اسلامی که جریر صاحب این‌جا تشریف دارند - هم همین‌طور با دیسپلین بودند و مردم خود را بسیار آزادی نمی‌دادند که از یک طرف به طرف دیگر بروند؛ ولی یک دلیل که جمعیت اسلامی در هرجایی رشد کرده بود، این بود که اعضای جمعیت تا اندازه آزاد بودند، ممکن در بعضی مسایل اساسات خود را داشتند؛ ولی دیگر هرکس در بسیاری از مسایل آزاد بودند، خوب اگر معتدل نباشند اجازه نمی‌دهند که دیگر طرف بروند، پیش‌تر هم به این اشاره شد که استاد از لحاظ مفکوره، یک انسان متحجر نبود. معلوم‌دار است که هرکس در جوانی گرایشی به یک مفکوره پیدا می‌کند، مفکوره‌های سیاسی، مفکوره‌های اجتماعی، به استثنای مفکوره‌های دینی، دیگر مفکوره‌های سیاسی هیچ کدام‌شان، تا ابد واقعیت و حقیقت نمی‌باشند، تکامل می‌کنند. من فکر می‌کنم که شروع استاد از همین مفکوره یا عقیده فلسفی انقلابی است؛ ولی استاد در عین حال که یک ایدیولوژی دارند، یک فلسفه دارند، فلسفه هم تقریباً انقلابی است. فلسفه‌ای که بر عقلانیت و منطق و استدلال را اجازه می‌دهد. اگر کسی که به عقلانیت و منطق و استدلال اجازه می‌دهد، آنان قبول کرده نمی‌توانند که مفکوره و

ادیولوژی‌شان حتماً صد در صد درست است و دائماً به همین قسم باشد؛ بلکه دیگران را هم می‌گذارند، [دیدگاه خویش را ابراز کنند].

به هر حال اگر به حاشیه نروم در دنیای علم و در [علم] منطق دو قسم منطق وجود دارد، یکی منطق ارسطوست. ارسطو می‌گوید که فرضیه‌ات را اول تشخیص کن و بعد نتیجه را براساس فرضیه‌ات بگیر، مثلاً ارسطو می‌گوید که هر انسان می‌میرد، احمد انسان است و نتیجه جمله این است که احمد می‌میرد. اگر کسی [این نتیجه را] قبول نکند بی منطق است؛ ولی منطق کاتولیک‌ها، منطق سینتاگوستین^۱ این است واقعیت را من می‌فهمم. [بناءً] از عقلت استفاده کن که به آن نتیجه برسی. من فکر می‌کنم که استاد از جمله کسانی بودند که بسیار به عقل و به منطق و به استدلال اجازه می‌دادند و بهترین نمونه تکامل فکری استاد، قبول کردن قانون اساسی ۱۳۸۳ افغانستان است. قانون اساسی ۱۳۸۳ افغانستان، ارزش‌های اسلامی دارد، ارزش‌های دیموکرات و ارزش‌های ملی دارد،^۲ [خلاصه قانون اساسی ۱۳۸۳] مجموعه‌ای از ارزش‌های ملی و بین‌المللی است. با این همه استاد، مشکل خاصی نسبت به این [قانون] نداشت^۳ و من فکر می‌کنم که [این

۱. مارکوس اورلیوس اوگوستینوس، معروف به اوگوستین قدیس (sunitsuguA tniaS) از تأثیرگذارترین فیلسوفان و اندیشمندان مسیحیت در دوران باستان و اوایل قرون وسطی محسوب می‌گردد. او از شکل‌دهندگان سنت مسیحی غربی (کاتولیک و پروتستان) به حساب می‌آید. وی از قوم بربر در شمال آفریقا بود که در شهر تاگاست واقع در ایالت سوق اهراس در الجزایر کنونی متولد گردید. او از یک مادر مسیحی و پدر مشرک به دنیا آمد. اوگوستینوس، نظریات مهمی در مورد: عقل و ایمان، شناخت، خداشناسی، تثلیث، خلقت، شر، فلسفه تاریخ و سیاست و زیبایی دارد. برای آگاهی بیشتر به کتاب: تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس، اثر دکتر محمد ایلخانی، مراجعه شود. «مرکز تدوین»

۲. نگاه استاد شهید، به ارزش‌های ملی از همان ابتدا یک نگاه مثبت بوده و مشکل استاد به قول خودشان، به ملی‌گرایی‌های وارداتی است. نگاه استاد به این مسایل، بعدها چنان نبود که ما تصور می‌کنیم، مثلاً در مقاله «کدام یک: انسجام ملی؟ یا اتحاد اسلامی؟ یا هردو؟» که در آوّل عقرب ۱۳۸۶ ه.ش، در سیمیناری در تهران ارائه شده بود، از «ملی‌گرایی وارداتی» و از پیامدهای بد آن سخن گفته‌است؛ ولی جریان‌های اسلامی را محافظ منافع ملی خوانده‌است. برای تفصیل بیشتر: کاروان حرم، نوشته استاد شهید، ص: ۱۰۹، نشر: مرکز تدوین، نگاه کنید. «مرکز تدوین»

۳. قابل تذکر است که موادی از این قانون را گاه‌گاه حضرت استاد شهید به نقد کشیده‌اند و ثانیاً دیدگاهی هم هست که قانون اساسی پس از تصویب نمایندگان لویه جرگه، مورد دستکاری قرار گرفته‌است. «مرکز تدوین»

شکل نداشتن] نتیجه تکامل فکری شان بود.

نکته دیگر اینکه همراه استاد هر موضوع با استدلال با منطق و عقل حل شده می‌توانیست و مشکل نبود که آدم همراهش کار کند. یک موضوع دیگر برای کسانی که در سیاست و خصوصاً در انقلاب اشتراک می‌کنند، بسیار مهم است، این است که قدرت این را داشته باشند که تصمیم عمده را گرفته بتوانند. در این قسمت مشاهده من از نزدیک نبوده؛ ولی همین قدر می‌فهمم کسی که تصمیم جهاد را می‌گیرد، قدرت تصمیم‌گیری را دارد، پیش‌تر اشاره شد به «انتقال قدرت» کسی که خودش بخواهد و یا خودش قبول کند که من دیگر رئیس جمهور نیستم، بر اساس ضرورت‌هایی که بود یک کس دیگر بیاید، با وجود که ملاحظات می‌داشت.

قانونی صاحب در آن جا تشریف داشتند و ما هم بودیم که محدودیت‌ها هم زیاد بود و فشارها هم زیاد بود؛ با این همه، این کار جرأت می‌خواهد که با وجودی که ممکن این تصمیم بسیار عادلانه هم نبوده باشد، باز هم بیاید و بگوید: من از منفعت شخصی‌ام می‌گذرم و به پیش می‌رویم. این چنین کاری برای من نشان می‌دهد که قدرت تصمیم‌گیری‌شان بسیار قوی بوده است.

سخن در مورد اینکه میراث استاد چه است؟ من فکر کنم اعتدال که یک مفهوم عام و مهم است را ما می‌توانیم به‌حیث میراث استاد بپذیریم. متأسفانه در دیموکراسی [چنین است که] در هر جایی گرایش‌های قطبی هست. برای اینکه آرای مردم را به‌دست بیاورند، کوشش می‌کنند که میان ما و شما جدایی می‌افکنند. بناء یکی از ضرورت‌ها و نیازهای مبرم ما و رهبران ماست که این موضوع را در نظر داشته باشیم و به طرف اعتدال برویم.

موضوع دیگری که برای من مهم است و [آن هم جزو] میراث استاد است، انتقال مسالمت‌آمیز قدرت است. با وجودی که وقت هم کم است؛ اما می‌خواهم راجع به این مسأله که جزو موضوعات روز است یعنی موضوع شفافیت انتخابات یک یادآوری داشته باشم. [خوب ناگفته پیداست که]

متأسفانه شفافیت انتخابات در دوازده سال گذشته خوب نبوده، رهبران باید قدرت را به اساس آرای شفاف مردم به دیگران انتقال بدهند. این درس را از استاد بیاموزند و اصرار نکنند که باید برای ابد، در چوکی قدرت باشند. خوب قانون ما وعننه دنیا به همین قسم است و از مردم پرسیان می‌کنیم و رأی مردم را می‌گیریم و این کار باید به شکل شفاف صورت بگیرد. متأسفانه که بحث شفافیت در انتخابات پیش‌رو هم بسیار ناروشن است. با وجودی که چندین بار این موضوع به حکومت گفته شده، موضوع شفافیت انتخابات و مسأله بایومیتريک که تقريباً دو سال است که مطرح شده است؛ ولی متأسفانه نه حکومت به آن توجهی کرد و نه هم کمیسیون. بعضی از اوقات، زمانی که اظهارات سخنگوی کمیسیون انتخابات را می‌بینم، [می‌بینم که چقدر اظهارات] خجالت‌آور است. صحبت‌هایی را که دیروز در بی بی سی داشتند، صحبت‌هایی واقعاً خجالت‌آوری بود. حداقل یک‌و نیم سال می‌شود که من برای اینها چندین بار [این طرح را] روان کردیم، سمینار و کنفرانس دادیم، کنفرانس مطبوعاتی دادیم، به دفتر داکتر صاحب عبدالله، به دفتر داکتر غنی، به خود کمیسیون روان کردیم و تأکید کردیم که شفافیت یک موضوع بسیار مهم است؛ ولی این‌ها هیچ اهمیتی ندادند.

باز هم به این ارتباط می‌گوییم که متأسفانه قانون انتخابات ما صلاحیت‌های بسیار زیادی به رئیس جمهور داده، فرضیه قانون انتخابات ما این است که رئیس جمهور یک آدم عادل است، یک آدم بی طرف است، در حالی که نیست. نه تنها که در افغانستان نیست، در دیگر جای هم اگر به یک رئیس جمهور همین قدر صلاحیت‌ها داده شود، فکر نکنم که او هم از آن استفاده خوب کند.

ارزنده‌ترین نکاتِ «خط رهبرج، ۷»
نویسنده: پروفیسور دکتور عبدالباری راشد رئیس پیشین اکادمی
علوم افغانستان!



نامه شماره (۴۱) ۱۳۹۷/۶/۱۱ دانشمند جوان و پر تلاش جناب «فضلی آماج» رئیس محترم مرکز تدوین آثار رهبر شهید با ضمیمه بزرگ جلد هفتم «خط رهبر» برایم مواصلت ورزید، تا به قول آقای «آماج» «تازگی های نهفته در این اثر را» انگشت نما سازم.

از آنجا که مرا ارادت و محبت خاصی نسبت به شخصیت علمی، فرهنگی و ادبی اکادمیسین شهید، پروفیسور برهان الدین «ربانی» به مثابه برجسته ترین رهبر جهادی افغانستان است، لاجرم با وجود مشاغل گسترده و لاینقطع تدریس و تحقیق و غیره و جایب فردی و اجتماعی، اثر «خط رهبر» را - که جنگی از سخنرانی های آن شهسوار علم و ادب است - مطالعه کردم؛ تا تکلیف اخلاقی خود را مبنی بر نقد اثر یاد شده ادا کنم. اثر «خط رهبر، ج ۷» حاوی بیانات و ارشادات منحصر به فرد علمی، سیاسی و تاریخی استاد شهید با روحیه عالی اسلامی و آزاد منشانه ملی انقلابی و ضد استعماری آن عظیم ترین شهید جهاد کشور است.

این مجموعه ارزشمند تاریخی - سیاسی بیشتر بر مسایل بحران ها و اوضاع افغانستان، مداخلات خارجی و خیانت غرب به افغانستان، مواضع استاد در برابر فیصله های بُن و خارجی ها و مشکلات موجود آن وقت و آینده افغانستان، طالبان، تروریسم، استکبار جهانی، ماهیت لویه جرگه ۱۳۸۱ و نقش منفی آن در سرنوشت تاریخی افغانستان، حقیقت جهاد افغانستان، نحوه مبارزات دلخواه فرهنگی استاد شهید و مواضع مستقل حزب ایشان (جمعیت اسلامی افغانستان) بدون وابستگی به احزاب خارجی تمرکز دارد.

جمع‌آوری، تنظیم، ترتیب، تدوین و طبع و تکثیر بیانات استاد شهید گام بلند، مثبت و لازم در راستای روشن ساختن برخی از حقایق تاریخ کشور، منطقه و جهان بوده، معتبرترین منبع و مأخذ موثق تاریخ سیاسی معاصر میهن عزیز و مظلوم ما شمرده می‌شود که به عاملین محترم آن تحسین باید گفت.

از آغاز تجاوز اتحاد شوروی سابق، تا حضور نظامی و سیاسی امریکا و نیروهای ناتو در کشور، سرزمین ما گام‌به‌گام به سوی بحران‌های جدی نامعلوم در تمام ابعاد زندگی مادی و معنوی ما پیش و پیش‌تر می‌رود. گویا لحظه به لحظه اوضاع کشور بدتر و دشوارتر و پیچیده‌تر از لحظه قبلی می‌گردد. علت العلل این بحران‌های متداوم که اکنون به سوی حذف فیزیکی (نسل‌کشی) مردم بیگناه افغانستان می‌انجامد، همیشه دست‌کشی مداخلات خارجی در همه امور مردم افغانستان است.

در این چکیده عجالتاً توجه خوانندگان خیر را به برخی از ارشادات قیمت‌دار شهید اکادمیسین علوم جمهوری اسلامی افغانستان، پروفیسور برهان‌الدین «ربانی» W معطوف می‌داریم که بیش‌تر بر محور مسایل بحران کشور و قضایای بُن و مواضع استاد شهید دور می‌خورند.

جناب استاد مرحوم در اشاره به بحران‌های گذشته و موجود می‌فرماید: «...این دیگر پیدا است که تمام بحران‌هایی که در افغانستان به میان آمده، عامل بیرونی داشته است. هر زمانی که دست بُرون در ساختار سیاسی افغانستان دراز شده و در افغانستان حکومت ساخته، بحران آفرین بوده است؛ لذا برای جلوگیری و ریشه‌کن ساختن تمام بحران‌ها، باید مردم در ساختار سیاسی‌شان، خودشان تصمیم بگیرند.»^۱

این چنین، شهید صلح از دورویی و دروغ‌گویی سازمان ملل و توطیه، علیه دولت اسلامی افغانستان، با این عبارات پرده بر می‌دارد: «من به اخضر ابراهیمی گفتم که آن وقت بهترین فرصت بود، ملل متحد و دنیا و

دوست‌های صلح، با اعتماد به مردم افغانستان و جبهه جهاد و مقاومت بدون سیاست‌بازی‌ها، همه مسایل را در یک روشنی بسیار شفاف می‌توانستند فیصله کنند. این کاری بود که شما به ما چیزی گفتید و در آن جا (بُن) چیز دیگر فیصله کردید، برای ما گفته بودند که ما می‌رویم در آن جا تنها برای یک تفاهم و زمینه‌سازی کار می‌کنیم و بس.^۱

قابل ذکر است که در رسانه‌ها و محافل از جهاد و مقاومت ملت افغانستان به نام جنگ قدرت، جنگ ملیت‌ها، جنگ شمال و جنوب و غیره تحریفاً تبلیغ می‌شود. استاد برخلاف این تبلیغات جهانی جهاد افغانستان را جنگ حق و باطل ثابت می‌کند، وی می‌گوید:

«...یقیناً این جنگ قدرت نبود، کشمکش میان شمال و جنوب نبود؛ بلکه در یک سو وارثان حقیقی تاریخ و دین و فرهنگ و آزادی و استقلال در افغانستان قرار داشتند و در سوی دیگر جبهه جهل و تجاوز و مداخلات بیرونی علیه ملت ما در کشمکش بود.»^۲

استاد فقید W برای اثبات این قضیه با یک مثال زنده تاریخی می‌فرماید:

«مجاهدین با قبول اداره مؤقت نشان دادند که اگر توطیه‌ها و مداخلات خارجی نباشد در میان شمال و جنوب هیچ مشکلی وجود ندارد.»^۳

استاد عزیز، طالبان و سایر لانه‌های تروریستی در کشور را نیز مولود مداخلات خارجی می‌دانستند طوری که می‌فرمایند:

«... عامل اساسی رنج‌های بی‌پایان ملت ما... همانا مداخله‌های ظالمانه جهات معلوم الحال در امور کشور ما بوده؛ مگر طالبان و لانه‌های تروریستی در سرزمین ما جز پیامد و سوغات همین مداخلات بیرونی عامل دیگری دارد؟!»^۴

۱. خط رهبر، ج ۷، ص: ۱۷.

۲. همان، ص: ۷۶.

۳. همان، ص: ۱۳۴.

۴. همان، ص: ۱۴۶.

رجل رشید و شهید کشور، مخالف دولت‌سازی از جانب غرب در خارج مرزها بودند، چنان‌چه در این مورد به صراحت می‌گویند:

«نکته‌ای که ما به آن اصرار داشتیم و برای آقای ابراهیمی نیز می‌گفتم: این بود که هنوز هم چیزی که قلب من و شاید قلب مجاهد ما را آزار می‌دهد، تشکیل کابینه در خارج از کشور است.»^۱

شهید پروفیسور برهان‌الدین «ربانی» ضمن افشای برخی دسایس پنهان و آشکارای قدرت‌های خارجی، از توطیه، ضعف و بی‌کفایتی هیئات دولت اسلامی در بن نیز^۲ سخن می‌گویند: «... به هیئت اعزامی رهنمود داده شده بود که با دیگر هیئت‌های افغانی و نماینده سازمان ملل متحد روی مکانیزم اداره مؤقت کار کرده و جریان بعدی این پروسه در داخل کشور صورت گیرد، این رهنمودی بود که راه نجات مردم مسلمان افغانستان در یک چارچوب قابل پذیرش در آن انعکاس می‌یافت؛ ولی متأسفانه به اثر فشارهای گوناگون از جانب ملل متحد و حلقات دیگر، هیئت جانب دولت اسلامی افغانستان فراتر از رهنمودهای داده شده، روی تمام این پروسه مغلق سیاسی به توافق رسید.

دولت اسلامی افغانستان، جبهه متحد، شخص خودم و سایر رهبران مردم افغانستان صمیمانه خواستار آن بودند که روی سرنوشت سیاسی و ملی آینده افغان‌ها، خود افغان‌ها در کشور عزیز خویش تصمیم بگیرند و بدین صورت از واکنش‌های عینی منفی علیه این تصمیم جلوگیری صورت گیرد. بر مبنای اراده شما ملت قهرمان افغانستان، نقاط نظر و ملاحظات خود را نه تنها به محترم ابراهیمی ابراز داشته‌ام؛ بلکه طی کنفرانس‌های مطبوعاتی نیز این مسایل را برجسته ساخته‌ام.»^۳

به عقیده این جانب برای برائت یک رئیس جمهور از شرکت در توطیه‌های داخلی و خارجی، علیه وطن و ملتش چیزی، جز چنین موضع‌گیری‌های

۱. خط رهبر، ج ۷، ص، ۱۳۳.

۲. این دیدگاه نویسنده است، لزوماً مبین دیدگاه مرکز تدوین نیست. «مرکز تدوین»

۳. خط رهبر، ج ۷، ص، ۱۳۸.

مستند کافی نیست. حقا که استاد شهید، استادانه برائت خود را از مداخلات خارجی و توطیه‌های درونی و بیرونی در همه جریان‌ات ضد ملی و ضد اسلامی با این بیانات روشن اعلام فرموده‌اند.

زندگی در سایه‌های روح پرور قرآن
سر محقق (Professor) عبدالولی بصیرت



الحمد لله الذى أنزل أفضل كلامه على أفضل البشر والصلاة والسلام على من قال الله تعالى له إن شانك هو الأبرر وعلى آله وأصحابه وعلى من اتبع أفضل الأنبياء وخير البشر وبعده:

الله ذو الجلال، قرآن کریم، این کتاب مقدس و این معجزه جاویدان و این رستاخیز حیات آفرین و این مشعل تابناک را به پیامبر رحمت، خاتم النبیین حضرت محمد مصطفی ﷺ فرو فرستاد؛ تا در پرتو آموزه‌های عالیّه آن، بشریت را به راه راست و صراط مستقیم، هدایت و رهبری کنید.

آری؛ این کلام با عظمت الهی برای آن نازل گردیده است که انسان زندگی خود را در زیر سایه‌های روح پرور آن سپری کرده و به قلّه‌های موفقیت و پیروزی دست یابد. قطعاً هرگاه انسان برنامه‌های زندگی خویش را در پرتو منهج قرآن تنظیم کند، به سرفرازی دنیا و آخرت نایل می‌آید.

این اثر که ترجمه گوشه‌ای از تفسیر گران سنگ و بی بدیل «فی ظلال القرآن» سید قطب شهید است. استاد شهید پروفسور برهان الدین ربانی آن را به فارسی ترجمه کرده که حاوی یک جزیی از قرآن کریم است که از سورة فاتحه آغاز و تا آیه مبارکه ۱۴۱ سورة بقره پایان می‌یابد.

در این مقال کوتاه - که نگاهی بر تفسیر در «سایه‌های قرآن» که ترجمه پاره‌ای از تفسیر گران سنگ فی ظلال القرآن، از سید قطب شهید است - خواستم مروری بر مقدمه مترجم و مقدمه مؤلف داشته؛ سپس بر متن آن دید گذرایی داشته باشم. از الله ذو الجلال استدعا دارم که برایم توفیق و هدایت فرماید؛ تا بتوانم نکات مفیدی را دریافته و تقدیم بدارم.

اوّل؛ مروری بر مقدمه‌ها:

استاد بزرگوار، شهید صلح پروفیسور برهان‌الدین ربانی، مترجم فی‌ظلال القرآن، در مقدمه‌ای که بر این کتاب نبشته است، در اوصاف قرآن کوتاه و جامع می‌نویسد:

«این کتاب - راه مستقیم خداست و کجی و انحراف در آن راهی ندارد. دانشمندان از بحر بی‌کرانه‌اش هر قدر بیاشامند، هوس بیشتر می‌کنند، پرستندگان حق، از تلاوت و تعمّق در اسرار حیرت‌آورش هرگز ملول نمی‌شوند. کتابی که گذشت قرن‌های متوالی بر جمال و جلالش اثری وارد نمی‌کند و هر قدر بشریت به‌سوی علم و معرفت، گام بر می‌دارد، به همان اندازه ابواب جلال و عظمت این کتاب برایش کشف می‌شود و با ظهور هر پدیده مثبت علمی، این پیام ابدیت به گوش عقلش می‌رسد.»^۱

«درسایه‌های قرآن» کتابی است که می‌توان آن را شرح جان‌مایه قرآن خواند که علامه شهید سید قطب با قلب صفا و قلم رسای خود اقدام به نگارش آن کرده که در واقع با این اقدام، قرآن سید را متحول می‌سازد و سید با ادبیات بالا بلندش تحولی را در تفسیر ایجاد کرده و زیبایی‌های ملکوتی قرآن را بر ملا و به نمایش می‌گذارد.

سید شهید، زندگی در سایه قرآن را گران‌بهارترین نعمت می‌خواند؛ اما چه کسی بشناسد؟ او می‌گوید:

«زندگی در سایه‌های قرآن، گران‌بهارترین نعمتی است. این نعمت را فقط آنانی می‌شناسند، که از طعم گوارایش چشیده‌اند. آری؛ چنان نعمتی که به عمر شکوهمندی، برکت و صفایی می‌بخشد.»^۲

مفسر بزرگ W در جریان نگارش این تفسیر گران‌بها، از لذت این نعمت الهی بهره‌مند شده و تحولی عجیبی را در خود احساس می‌کند، آنجا که می‌گوید:

۱. سید قطب، در سایه‌های قرآن، مترجم: پروفیسور برهان‌الدین ربانی، چاپ چهارم، ۱۳۹۷ خورشیدی، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ‌خانه بهیر کابل، ص: ۱۴.
۲. در سایه‌های قرآن، ص: ۲۱.

«سپاس خدایی راست که در پناه لطف و احسانش، روزگاری از عمرم به زندگی در سایه‌های روح‌پرور قرآن سپری شد. در این عهد به نعمتی نایل شدم که هرگز در زندگی شبیه آن را ندیده و نچشیده بودم، همانا نعمتی که به زندگی جلال، تقدّس و صفا می‌بخشد.

در این عهد چنان احساس می‌کردم که گویا خدای بزرگ از راه قرآن با من حرف می‌زند، در آن حال که من بنده کم‌مایه و ناتوان بودم. آیا عزّت و کرامتی برتر و گرامی‌تر از این اِکرام و اعزاز بلندپایه و پر جلال خواهد بود؟ آیا برتری دیگری به غیر از آنچه که از راه قرآن حاصل می‌شود، سراغ خواهد شد؟ حاشا و کَلّا! چه خوش این مقام، گرامی است که خدا به انسان کرامت می‌کند؟»^۱

سید شهید جایگاه انسان را در قرآن، متفاوت از آنچه مکاتب دیگر بیان می‌کنند درک کرده‌است. او می‌گوید:

«من در چشم‌دید قرآن انسان را بسی گرامی‌تر از آنچه یافتم که مکتب‌های مختلف دیگر در مورد، ابراز نظر می‌کنند. انسان که نفخه‌ای است از روح الهی، با همین نفخه انسان شده‌است.»^۲

او با درکی از قرآن دارد، کمالِ انسان را در پیروی از منهج الهی، با رعایت انگیزه‌های فطری‌اش می‌داند، چنان‌که می‌گوید:

«انسان در نظر قرآن، همین موجود معین است که از خود فطرت، تمایلات و استعدادها به‌خصوصی دارد. او برای اینکه مراحل کمال را طی کند، نیازمند آن است که منهج الهی را چراغ راه خود قرار دهد. این منهج هم‌زمان با رعایت تمایلات و انگیزه‌های فطری، انسان را به‌سوی کمال رهبری می‌کند.»^۳

سید W از هماهنگی میان حرکت انسان و سیر هستی، هست و قرآن از آن سخن گفته است و از اشتباه بنی‌آدم در این عرصه، این‌گونه داد

۱. در سایه‌های قرآن، ص: ۲۱.

۲. همان اثر، ص: ۲۴.

۳. همان اثر، ص: ۳۱.

سخن می‌دهد:

«در سایه‌های قرآن به هماهنگی دقیق و زیبایی آشنا شدم، که میان تلاش و حرکت انسان و سیر و حرکت در سرپرده هستی وجود دارد و این همه در محیط اراده و ابداع الهی انسجام یافته است. [آن گاه که] از چشمدید قرآن، [به] اشتباهات رنج آور بشریت می‌نگریستم، [می‌دیدم] که فرزند آدم به علت انحراف از نوامیس طبیعی و اعتراض از آیین فطرت، در بند این اشتباهات مرگ آور افتاده است.»^۱

به همین منوال حقایقی را از حریم قرآن، دریافته که این گونه به آن پرداخته است:

«من در حریم قرآن این حقیقت را هم دریافتم که ید قدرت الهی در عمل همیشگی است؛ اما این عمل روی طریقه و روش مخصوصی صورت می‌گیرد و ما نمی‌توانیم عملی را پیش از آوان آن مطالبه کنیم و نه حق آن را داریم پیشنهادی را در این مورد به خدا تقدیم کنیم. منهج الهی آن چنان که در سایه‌های پرشکوه قرآن پیداست، چنان است که همیشه و در همه جا و در تمام مراحل زندگی انسانی، فعال بوده و این منهج برای همین انسان با ملاحظه فطرت، نیرو و استعداد، قوت و ضعف و حالات متغیر زندگی او وضع و تنظیم شده است.»^۲

سید شهید با الهام از آیات هدایت در قرآن به‌ویژه این آیه کریمه:

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾^۳

(قطعا این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می‌نماید و به آن مؤمنانی را که کارهای شایسته می‌کنند، مژده می‌دهد که پاداشی بزرگی برای شان خواهد بود.)

فلاح و رستگاری انسان را در رعایت منهج الهی مطابق به انتظام و روش

۱. در سایه‌های قرآن، ص: ۲۲.

۲. همان اثر، ص: ۳۰.

۳. الإسراء: ۹.

مخصوص آن دانسته و بدبختی بشریت را در عدم رعایت این روش بیان کرده و می‌گوید:

«سر رشته بدبختی بشریت در همین جاست. آری؛ بشریت سرگشته و حیران، بشریتی که هرگز به راه هدایت رهبری نمی‌شود، سعادت و آرامش را در نمی‌یابد و به رشد و تکامل نمی‌رسد؛ تا آنکه فطرت بشری خود را در مسیر منهج الهی سوق ندهد و حل مشکلات خود را از آن مشکل‌کشی حقیقی جست‌وجو نکند.

حادثه گوشه‌کردن اسلام از کرسی قیادت و رهبری بشریت، حادثه هول‌انگیزی بود که دنیای انسانی را سخت تکان داد. این حادثه، مصیبت جانکاهی بود که بشریت در طول تاریخ مصیبت عظیمی را مانند آن ندیده است.»^۱

به همین ترتیب، از دارودسته‌های اغواگر - که منهج قرآنی و علوم و معارف مادی را در دو قطب مخالف گذاشته اند - شکایت کرده می‌گوید:

«این طرز تحلیل، بسی گمراه‌کننده و اغواگر است. چه هرگز نظام قرآن در زندگی، در قطب مخالف علوم و ابتکارات علمی نبوده؛ بلکه همین نظام است که علوم مادی را پایه‌گذاری کرده و آن را در مجرای سالمی رهبری کرده است و هیچ‌گاه میان نظام قرآنی و علوم بشری، دشمنی و تضادی نبوده و نمی‌باشد.»^۲

اندیشه برخی از مظاهر اغواکننده‌ای که میان مبادی اعتقادی و نوامیس علمی فاصله ایجاد کرده‌اند را مورد نقد قرار داده و می‌گوید:

«نتایج شوم این جدایی در مراحل نخستین و گام‌های اولیه، چندان به ظهور نمی‌آید؛ اما هر قدر بر عمر این دوگانگی و جدایی افزوده شود، نتایج تباهن آن بیشتر ظاهر می‌شود، جامعه اسلامی نیز عیناً با همین اشتباه مرگ‌آور دچار شد، در آغاز حال فاصله میان علم و ایمان نبود، مسلمانان

۱. در سایه‌های قرآن، ص: ۳۷.

۲. همان اثر، ص: ۳۸.

گام‌های سریعی در راه تکامل برداشتند؛ اما سر از آن زمانی که فاصله میان این دو در جامعه اسلامی ایجاد شد، ضعف و نارسایی، انحطاط و پسمانی دامن‌گیر آن شده به مرحله‌ای رسید که هم علم و هم ایمان هردو در میان مسلمانان ناتوان شد و عظمت و قوت مسلمانان به ضعف و ناتوانی مبدل گشت.^۱

خلاصه‌گپ اینکه از این مقدمه مؤلف و مترجم چنین بر می‌آید که قرآن و منهج آن، نعمت پروردگار است، عمل کردن به قرآن و رعایت روش و برنامه‌های آن و ایجاد هماهنگی در میان مبادی اعتقادی و نوامیس علمی، در حقیقت شکر و سپاسگزاری از نعمت‌های پروردگار است. نتایج مفید و مؤثر داشته و انسان را به قله‌های پیروزی می‌رساند؛ اما ایجاد فاصله و افتراق و نا هماهنگی میان آنها، باعث فساد، رنج، تباهی و بربادی انسان می‌گردد، الله متعال می‌فرماید:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۲

(این [کیفر] بدان سبب است که خداوند هرگز نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته باشد، تغییر نمی‌دهد؛ مگر آنکه خود آنان آنچه را در دل خود دارند، تغییر دهند و خداوند شنوای داناست.)

دوم؛ سورة فاتحه:

نویسنده قبل از شروع به تفسیر این سوره، مقدمه‌ای ارایه داشته است که در آن، سورة فاتحه را شامل کلیات عقیده اسلامی و متضمن خطوط اساسی جهان بینی اسلام، مشاعر و توجیهات آن معرفی نموده است. با بیان اقوال مختلف در مورد بسمله که آیه مستقلی از قرآن است و با یک آیه‌ای از سورة فاتحه می‌باشد، قول ارجح آن را دانسته است که یکی از آیات سورة فاتحه است و دلایل ترجیح را هم ارایه کرده است.

۱. در سایه‌های قرآن، ص: ۴۱-۴۲.

۲. الأنفال: ۵۳.

دست کم لاجرم درس آغاز هر سخن و هر کار را به نام الله، از این سوره فرا گرفت و آن هم به نام‌های رحمن و رحیم که رابطه انسان را به رحمت خدا تأمین می‌کند.

سید شهید می‌گوید:

«اتصاف خداوند به کلمه «رحمن و رحیم» بیانگر این حقیقت است که آن ذات مقدس، مستغرق و متصف به همه صفات و حالات رحمت است و فقط او تعالی متصف به اجتماع این دو صفت است.»^۱

جهان‌بینی اسلامی:

بعد از بیان درس ثنا و ستایش الله، چگونگی و فضیلت آن، در پرتو آیه ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

ربوبیت مطلقه خدا را یکی از کلیات عقیده اسلامی و یکی از قواعد عمده جهان‌بینی اسلام تبیین کرده و می‌نویسد:

«اطلاق ربوبیت تنها به ذات اقدس در این سوره خود یک حد فاصلی است، میان نظام و انارش‌گیری، در مورد اعتقاد و ایمان؛ تا از راه اعتراف به این حقیقت، همه عالمیان به سوی یک آفریده‌گار واحد رو آورند و به سیادت و قدرت او اعتراف کنند، خود را از زیر بار خدایان متعدد، سبک‌دوش سازند و از فشار حیرت در پذیرش ارباب مختلف نجات یابند، آنجاست که ضمیرشان در پناه رعایت دایمی آفریدگار مطلق آرام می‌گیرد و یقین می‌کند که رعایت الهی ابدی و غیر منقطع بوده و در هیچ لحظه‌ای پایان نمی‌یابد.

این است جهان‌بینی اسلام در مورد دوام و ابدیت و رعایت آفریدگار.»^۲ ایمان به روز آخرت:

بی‌گمان آیه کریمه ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾

بیانگر اصل بزرگ و عمده عقیده به روز آخرت است که در حیات بشر

۱. در سایه‌های قرآن، ص: ۴۶.

۲. همان اثر، ص: ۴۹-۵۰.

تأثیر عمیق و اساسی دارد. این اصل در این اثر تشریح گردیده و باور و اندیشه کسانی که به این اصل معتقد نیستند به معرفی گرفته شده است. با بیان اینکه عقیده به روز جزا، اصلی از اصول عقیده اسلامی است که دل و دماغ انسان را به سوی جهان دیگری بعد از این جهان، متوجه می‌گرداند؛ نتیجه این بحث را این‌گونه توضیح می‌دهد:

«اصل «عقیده به روز آخرت» خط فاصلی است، میان بندگی به خواهش‌ها و تمایلاتی که معتقد به این اصل نیست و آزادی و حریت انسانی‌ای که در ایمان به این اصل تحقق می‌پذیرد و این اصل سرحدی است که فرومایگی در برابر تصوّرات جاهلیّت را از محیط آزاد ایمان به مبادی و ارزش‌های جاوید و ابدیت جدا می‌کند، این اصل طریق کمال حقیقی و پرامن انسانی را که خدا برای بندگان خود تعیین کرده، از بیراهه انحراف و گمراهی تفریق می‌کند»^۱.

میلاد آزادی:

سید شهید از آیه کریمه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾

تفسیر زیبایی دارد که آن را میلاد آزادی حقیقی تلقی می‌کند، آزادی که آرمان هر انسان است. او در پیوند به این آیه می‌فرماید:

«این اصل مبتنی بر اصول کلیات سابقه است. حقیقتاً عبادت و استعانت حقیقی از غیر خدا وجودی ندارد. این اصل نیز خط فاصلی است در میان آزادی از هر نوع عبودیتی به غیر از بندگی خدا و میان عبودیت و بندگی مطلق برای بندگانی که روح منکرین خدا در زنجیر آن رنج می‌کشد. این اصل اعلان میلاد آزادی کامل بشریت است، که در پناه آن انسان از بندگی اوهام، عبودیت نظام‌های فاسد و اوضاع رقت‌آور، به یکبارگی آزاد می‌گردد. هرگاه چنان باشد که فقط خدا سزاوار پرستش و استعانت و یاری است. پس ضمیر انسان از ذلت نظام‌های فاسد و جباران و ستمگران نجات می‌یابد، آن چنان‌که

از افسانه‌ها، اوهام و خرافات رهایی می‌یابد.»^۱

تطبیق عملی کلیات جهان‌بینی اسلامی:

سید شهید در ذیل همین معنا چنین می‌نویسد:

بعد از شرح اصول و کلیات اساسی در تصوّر و جهان‌بینی اسلام و تثبیت
اتجاه به سوی خدا، در مورد عبادت و استعانت، شکل تطبیق عملی این
کلیات، در قالب دعا و توجه به آفریدگار بیان می‌گردد.

﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ. صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ
عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾

بلی؛ هدایت به راه مستقیم که مستلزم شناخت منبع هدایت و راه مستقیم
است و انسان نظر به ضعفی که دارد نمی‌تواند شناخت دقیق و درستی را
به‌دست آورد؛ بنابراین نیازی به آن است که از الله ذو الجلال استعانت بجوید.

﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾

«یعنی بار خدایا! ما را به شناخت راه مستقیم و راهی که به منبع هدایت
برساند، موفق گردان و بعد از شناسایی و معرفت، نیروی استقامت‌بخش،
معرفت و استقامت نتیجه هدایت، رعایت و رحمت خداوندی است.

توجه به خدا در این امر نتیجه این عقیده است که خدا تنها معین و
مددگار است.»^۲

آیه بعدی «طبیعت و صفت راه مستقیم را شرح می‌کند؛ یعنی این راه؛
همانا راهی است که خدا برای مؤمنان لطف و انعام کرده است، راه کسانی
نیست که او تعالی، به علت انحراف از راه مستقیم بر آنان غضب کرده است.»^۳
خلاصه سوره:

سید شهید، پس از بیان و شرح و بسط سوره مبارکه خلاصه آن را چنین
خلاصه می‌کند:

«این سوره، همانا سوره‌ای است که خواندن آن در هر نماز حتمی بوده

۱. در سایه‌های قرآن، ص: ۵۵.

۲. همان اثر، ص: ۵۸.

۳. همان اثر، ص: ۵۸.

و بدون آن نماز صحیح نمی‌شود، این سوره با همه کوتاهی آن حاوی کلیات اساسی تصوّر و جهان‌بینی اسلام است.^۱

سوّم؛ سوره بقره:

در مقدّمه این سوره بعد از تحلیل و بررسی از استقلال سوره‌ها و نگارش جمله ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ به عنوان فاصله در میان سوره‌ها، گفته شده است:

«از اینجاست کسی که در سایه‌های پرشکوه قرآن به سر برد، می‌داند که هر سوره‌ای از خود موجودیت جدا و شخصیت مستقلی دارد. چنان شخصیتی که قلب با او چنان زندگی می‌کند، که گویا با یک موجود زنده و دارای صفات ممیز و بارزی، زندگی کند.»^۲

در بیان موضوعات مورد بحث این سوره می‌فرماید:

«این سوره متضمن چندین موضوع است؛ اما محور اساسی که همه این موضوعات در اطراف آن می‌چرخند، یکی بوده؛ مگر دارای دو عنصر عمده است که هردوی آن با همدیگر رابطه مستحکمی دارند. این سوره از یک جهت در اطراف موقف بنی اسرائیل در برابر دعوت اسلام در مدینه بحث می‌کند، از رویه آنان در برابر اسلام و رسول اکرم Y و جامعه جوان اسلامی در مدینه صحبت می‌کند و رابطه قوی میان یهود و منافقین از یک طرف و میان یهود و مشرکین را از جانب دیگر شرح می‌کند و از ناحیه دیگر موقف جامعه اسلامی را در صبح ظهورش تشریح کرده و آنان را برای تحمّل امانت بزرگ دعوت رهای بخش اسلام و خلافت در روی زمین دستور آماده‌باش می‌دهد و داستان امتناع بنی اسرائیل را از حمل این امانت و عهدشکنی‌های آنان را از میثاق الهی و تجرید آنان را از شرف انتساب به ابراهیم 4 صاحب نخستین مکتب (حنفیت) شرح کرده و به مسلمانان اعلام خطر می‌کند، از اینکه مبدا آنان نیز همان خطاها و اشتباهات بنی اسرائیل را که عامل تجرید

۱. در سایه‌های قرآن، ص: ۵۹.

۲. همان، ص: ۶۳.

از این شرف بزرگ گردید، تکرار کنند. تمامی موضوعات این سوره در اطراف این محور با دو عنصر عمده‌اش می‌چرخد.^۱

«در این سوره پس از اینکه سه گروه متقیان، کافران و منافقان هرکدام معرفی و تشریح می‌شوند و به صورت ضمنی به یهودان ابلیس‌میش اشاره می‌شود، پس از این همه، مردم به پرستش خدا و ایمان به کتاب منزل او به پیامبرش، دعوت می‌شوند و برای آنانی که در مورد آسمانی بودن این کتاب اشتباهی دارند، چلنج داده می‌شود، آنان اگر اشتباهی دارند، سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های آن بیاورند! همچنان کافران عصیانگر به سرنوشت غم‌انگیز دوزخ تهدید و مؤمنان به بهشت جاویدان بشارت داده می‌شوند.»^۲

مفسر (سید شهید) این مطالب را بسیار به وجه احسن تبیین کرده و تفسیر آن را مطابق به علوم معاصر و درک و درایت جامعه بشری توضیح داده است که چراغ روشنی را فرا راه صاحبان خرد قرار داده است.

چنانچه مترجم با قلم رسا و دست بالایی که داشته حق ترجمه را به صورت درست ادا کرده است که خواننده را به خود جلب می‌کند.

نتیجه‌گیری:

آری این تفسیر، کتاب بزرگی است؛ چون در عین حالی که با درک حقیقت و روح قرآن نگارش یافته است، با یک ادبیات قوی و بلند عربی نبشته شده که ترجمه این متن ادبی به زبان دیگری از توان هرکسی نیست.

به گفته مرکز تدوین آثار استاد شهید:

«این کار «کوه است و کوتل دارد» همین است که تنها این طویل نفسان اند که می‌توانند از این کوه و کوتل بگذرند.

خدا عالم است که استاد فرزانه، یکی از آنانی است که در ترجمه متن‌ها، از هر که یک سر و گردن بالاتر است. این سخن تغزل عاشقانه‌ای نیست که

۱. در سایه‌های قرآن، ص: ۶۴.

۲. همان، ص: ۷۷.

در بسیط واقعیت، حجت و برهانی نداشته باشد؛ همین ترجمه خود یکی از بیّنات محکم این مدعاست.^۱

در فرجام؛ جای دارد از رئیس مرکز تدوین آثار استاد شهید محترم استاد فضلی آماج و همکارانش، سپاسگزاری داشته باشیم که در عرصه بازنگری، تصحیح و ویرایش این اثر در ضمن آثار دیگر استاد شهید، زحمات زیاد و شایسته‌ای را تحمل کرده‌اند، الله اجر بی‌پایانی برای‌شان نصیب فرماید.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

در حاشیه کتاب: «ما کیستیم و چه می خواهیم؟»
نویسنده: خیرالله خیرخواه، ماستر مدیریت آموزشی
و عضو مرکز تدوین



چکیده

هدف از نوشتن مقال حاضر «بررسی کتاب ما کیستیم و چه می‌خواهیم؟» است که به گونه‌ی گذرا، زوایایی از این اثر را به بررسی گرفته‌ایم. رساله‌ای را که نویسنده این مقال به بحث گرفته است، حاوی سه دفتر است:

۱- دفتر نخست: ما کیستیم و چه می‌خواهیم که شامل عناوین کوچک نیز می‌باشد؛

۲- دفتر دوم: تربیت‌یافتگان مکتب پیامبر است که این هم شامل چهار عنوان جزئی است؛

۳- دفتر سوم و آخری این کتاب، نگاهی به کارنامه‌های جمعیت اسلامی افغانستان در ابعاد مختلف جهاد است که در برگرفته عناوین جزئی دیگر نیز است.

این کتاب در ۱۵۵ برگ با قطع جیبی و صحافت زیبا از سوی مرکز تدوین آثار رهبر شهید، در سال ۱۳۹۷ ه.ش، چاپ و نشر شده است که اینک به صورت شتابان، به معرفی آن می‌پردازیم.

دفتر نخست: ما کیستیم و چه می‌خواهیم؟

استاد شهید در این نوشته بحث خویش را با مقدمه‌ی زیبایی که می‌توان آن را «نقشه‌ی راه جمعیت اسلامی افغانستان» نام گذاشت، آغاز می‌کند و به مفاهیم مهم و ارزشمندی چنین اشاره می‌کند:

«مطالعه‌ی اوضاع فاسد و شرایط شوم و شرم‌آوری که مردم ما در آن

قرار دارند، انحطاط جنون‌آسای مبانی اخلاق و فضیلت، شیوع فحشا و بی‌عدالتی، که توسط اربابان قدرت دامن‌زده می‌شود، ظلم و بیدادگرایی که بر مردمان بی‌دفاع و مظلوم ما [صورت می‌گیرد،] بی‌اعتنایی به حال بی‌نویان محروم، که در آتش فقر و ناداری می‌سوزند، جلوگیری از انکشاف سالم و مثبت، محروم‌ساختن استعدادها و کفایت‌ها از سهم‌گیری در راه اعمار وطن به علت اینکه در راه قبول و اجرای وظایف دولتی، چاکری و مزدوری اربابان قدرت را نمی‌پذیرند، سپردن کارها به عناصر پست و بی‌کفایت، سوق دادن جوانان در مسیر لاقیدی و بی‌بندوباری و حمایت همه‌جانبه از اجینت‌های اجنبی و مزدوران خارجی، که مغزهای معصوم فرزندان کشور را با پخش ایدیولوژی‌های تباه‌کن مسموم می‌سازند، تشدید تضادها و نفاق‌افگنی‌های ننگین در میان طبقات مختلف مردم، خاموش‌ساختن جابرا نه فریادهای اصلاح‌طلبانه فرزندان مؤمن در کشور، تارومار ساختن نهضت‌های نجات‌بخش اسلامی، حاکمیت‌بخشیدن خارجی‌ان بر مقدرات اقتصادی و فرهنگی و سیاسی میهن، دورنگاه‌داشتن عمدی مردم از علم و دانش، سرانجام ارتکاب بزرگ‌ترین خیانت‌های ملی برای بقا و دوام قدرت‌های فاسد و با [وجود] این همه، تظاهر عوام‌فریبانه به مبادی و ارزش‌های دینی و صدها جنایات دیگر، بررسی این همه مظاهر شوم و ننگین، گروهی از فرزندان صدیق را وادار ساخت؛ تا در راه ادای مسئولیت بزرگی که در پیشگاه خداوند توانا و مردم باشهامت و محروم کشور عزیز خویش دارند، آماده فداکاری شوند و رسالت بزرگ خود را در این مرحله حساسی از تاریخ میهن محبوب انجام دهند.^۱

در ادامه استاد شهید، در باب تفاوت این گروه (جمعیت) با دسته‌های دیگر؛ مسئولیت حکومت در اسلام و... نکات قابل تأملی را مطرح می‌کند. ناگفته پیداست که صف‌بندی‌ها در برابر حرکت اسلامی، همان‌طوری که در حال حاضر جریان دارد، قبل بر این، نیز وجود داشت و باعث چالش‌های

۱. ما کیستیم و چه می‌خواهیم؟، ص: ۱۷ - ۱۸.

فراوانی بر سر راه این حرکت شد که استاد شهید دلایل دامنه‌دار شدن این صف‌بندی‌ها را چنین خلاصه می‌کند:

«دسایس‌ننگین اربابان قدرت، از یک‌طرف و هیاهوی مزدوران اجانب از سوی دیگر و عدم آشنایی به مبارزات پرافتخار و قهرمانانه اسلامی در نیمه قرن اخیر در کشور، براین صف‌بندی‌ها دامن خواهد زد...»^۱

در ادامه استاد شهید، موقف‌گیری‌های مردم را در برابر جریان اسلامی - با الهام از تعالیم امام بنا - به چهار گروه ذیل تقسیم می‌کند:

۱- مؤیدان؛ ۲- مترددان؛ ۳- منفعت‌جویان؛ ۴- عیب‌جویان.

۱- مؤیدان از منظر این رساله، کسانی‌اند که به مردم و هدف حرکت، عقیده و ایمان داشته و به یقین کامل می‌دانند که نجات وطن فقط از راه عملی‌شدن مرام این حرکت میسر است؛

۲- مترددان منظور کسانی‌اند که «تا هنوز حقیقت در نظرشان روشن نگشته، از این‌رواز حرکت و آرمان‌های بزرگ آن اطلاعی درست ندارند؛ لذا به علت ترددی که بر سرپای وجودشان حاکمیت دارد، در برابر این حرکت توقف را اختیار کرده‌اند، نه از آن دلیرانه حمایت می‌کنند و نه علیه آن برخاسته‌اند...»^۲

۳- منفعت‌جویان عبارت از گروهی‌اند که هر چیز را به مقیاس نفع و ضرر مادی و با روحیه سوداگر‌میشانه، مورد ارزیابی قرار داده و در طریقی گام بر نمی‌دارند؛ تا در آن منافع مادی خود را نبینند.

۴- عیب‌جویان، گروهی از عناصر جبون و بزدلی‌اند که یا حوصله فداکاری در راه حق را ندارند و یا مگس‌وار بر اطراف منافع مادی چسبیده و یا بعضاً بر کرسی‌های حکومتی خود را سرش کرده و به قدر ضعیف‌النفس و بی‌کفایت‌اند که نمی‌دانند کرسی‌های حکومتی مال حکومت نیست و نباید آنان این کرسی‌ها را به قیمت شرف و عقیده و آئین خویش بگیرند.^۳

۱. ما کیستیم و چه می‌خواهیم؟، ص: ۲۸.

۲. همان، ص: ۳۰.

۳. ما کیستیم و چه می‌خواهیم؟، ص: ۳۱ - ۳۲.

به همین ترتیب عنصر دیگری را استاد شهید، به این جمع می‌افزاید که آنان را مزدوران خارجی می‌نامد و در موردشان این‌گونه می‌گوید:

«مزدوران خارجی کسانی‌اند که به آیین انقلابی اسلام عقیده ندارند و به هرنام و رنگ و اسم و رسمی که باشند، یقیناً علیه این حرکت جبهه‌گیری خواهند کرد؛ زیرا آنان به یقین می‌دانند که وطن‌فروشان و خاینان و اجیران استعمار کهنه و نو، توسط این حرکت بشری محکوم می‌شوند و آنانی که علیه آیین و فرهنگ مردم مسلمان این سرزمین و در جهت مخالف منافع خلق کشور، گام بر می‌دارند، فعالیت‌های‌شان به وسیله فرزندان صادق و مؤمن در هر سطحی که باشد، خنثی می‌گردد...»^۱

و این گروه از نظر استاد شهید، خطرناک‌ترین و مضرت‌ترین گروه علیه حرکت دانسته شده‌است و بعداً استاد شهید؛ به مسایلی چون موقف جمعیت در برابر سازمان‌های سیاسی و فرهنگی؛ دشواری‌ها و به‌سوی صفوف فشرده و متحد اسلامی حرکت کردن، پرداخته و چنین می‌گوید:

«از بهترین اصول مبارزه در فرهنگ اسلامی، فشردگی و وحدت صفوف مبارزان است. رزمندگان مسلمان پیوسته به این حقیقت ملتفت بوده‌اند که راز پیروزی‌های درخشان آنان در مبارزات بیکران و دامنه‌داری که در پیش دارند، همانا وحدت و به‌هم‌فشرده‌گی صفوف آنان است. لزوم یکپارچگی و به‌هم‌فشرده‌گی صفوف مبارزان در منطق مبارزاتی اسلام موضوع تکتیکی و مرحله [ای نیست؛] بلکه از مسایل عمده و بنیادی است که لازمه همه دوره‌های مبارزات می‌باشد. یعنی از قدم‌های نخستین مُبارزه، تا مرحله پیروزی کامل وجود آن ضروری و لازمی است و در هیچ مرحله‌ای نباید مسلمانان، با صفوف پراکنده دست به مُبارزه زنند و رزمندگان مؤمن، همه آن نقشه‌هایی را که برای پراکنده‌ساختن آنان طرح می‌شود، نقشی برآب می‌سازند و تمام پلان‌هایی را که برای ایجاد شکاف در میان صفوف مبارزان طرح می‌شود در نقطه خنثی می‌کنند. آنان به این حقیقت خوب ملتفت‌اند که

تولید شکاف و ایجاد شقاق در صفوف آنان، خطرناک‌ترین نقشه‌های دشمن است و همین که دشمن توانست پراکندگی را در صفوف ایجاد کند، دیگر فضا برای حيله‌های بعدی او کاملاً مساعد می‌گردد و تولید شکاف اولین پیروزی دشمن است.^۱

خلاصه سخن در این باب اینکه این نوشته با وجود حجم کوچکی که دارد مبین اهداف جمعیت اسلامی است و دارد به عنوان مانفست جمعیت اسلامی خویش را می‌نمایاند که خواندن و مکث در آن، هم برای پیروان این جریان اسلامی ارزشمند و حیاتی است و هم برای کسانی که به تاریخ می‌اندیشند.

دفتر دوم: تربیت‌یافتگان مکتب پیامبر:

در این دفتر چهار تن از ستارگان مکتب نبوت توسط استاد شهید به معرفی گرفته شده است.

۱- ابو عبیده بن جراح؛

۲- مصعب بن عمیر؛

۳- سعد بن معاذ؛

۴- و سید الشهداء امام حسین. رضی الله عنهم.

۱- ابو عبیده بن جراح: استاد شهید در این مبحث به ابعاد و زوایای زندگی امین امت ابو عبیده بن جراح می‌پردازد و او را .. از جمله مسلمانان نخستین و از یاران گران‌قدر پیامبر Y می‌داند.^۲ سپس به فضایل، مقام و جایگاه این یار جان‌نثار پیامبر می‌پردازد و چنین می‌گوید:

«ابو عبیده ~ فضایل فراوانی داشت. او از مسلمانان نخستین و از جمله «عشره مبشره»^۳ بوده و زندگی او دفتر بزرگی از قهرمانی‌ها و سرشار از

۱. ما کیستیم و چه می‌خواهیم؟، ص: ۳۵-۳۶.

۲. همان، ص: ۴۳.

۳. عشره مبشره؛ همان ده نفری‌اند که پیامبر اکرم { ایشان را به بهشت مژده داده است، که قرار ذیل‌اند: ابوبکر صدیق، عمر فاروق، عثمان ذوالنورین، علی مرتضی، حضرت طلحه، حضرت زبیر، حضرت

تقوی و فضیلت بود.»^۱

و در فرجام، دفتر زندگی این یار فرزانه پیامبر را این گونه می‌بندد:
 «... سرانجام مرض طاعون ابوعبیده را نیز گرفت و در اثر آن به سن پنجاه و هشت سالگی در سال هجدهم هجری چشم از جهان بست و در منطقۀ غور اُردن دفن گردید.. او از جمله آن مردان بزرگی بود که نامش در صفحات درخشان تاریخ اسلامی با خط درشت ثبت است.»^۲

۲- مصعب بن عمیر ~: استاد شهید نیز همانند مبحث قبلی به معرفی یکی دیگر از تربیت‌یافتگان مکتب پیامبر می‌پردازد و معرفی او را این گونه آغاز می‌کند:

«این صحابی جلیل‌القدر از جمله آن یاران راستین و پیروان پر جلال پیغمبر Y بود، که در بامدادان جوانی در اوج خواهش‌ها و طوفان هوس‌ها، در آن حالی که در میان ناز و نعمت می‌لولید، به صفوف مسلمانان - که در شکنجه و عذاب، تکلیف و محنت به سر می‌بردند - پیوست.

آن‌گاه که دعوت حق به گوشش رسید، با دل و جان آن را لیک گفت. با زندگی پرتعم‌داری و سرمایۀ پدر یک‌سره وداع گفت و در راه قبول رسالت بزرگ اسلام هرنوع رنج و محنت را با روح آرام استقبال کرد. او به‌صورت خفیه بدون آنکه پدر و مادر ثروتمندش اطلاع بیابند، به خانۀ «ارقم بن ابی الأرقم»^۳ مرکز هدایت و رهبری رهبر بزرگ انسانیت رفته و ایمان خود را در پیشگاه رسول اعظم Y اعلان کرد.^۴ ایمان به خدا در سرپای وجودش اثر عمیق و تحوّل بنیادی ایجاد کرد.

عبدالرحمن بن عوف، سعد بن ابی وقاص، سعید بن زید و ابوعبیده بن الجراح. رواه ابن حبان، فی صحیح ابن حبان، عن سعید بن زید، الرقم: ۶۹۹۳، صحیح. «مرکز تدوین»

۱. ما کیستیم و چه می‌خواهیم؟، ص: ۴۹.

۲. همان، ۵۲.

۳. ارقم ابن ابی الأرقم؛ از یاران نخستین رسول الله { می‌باشد که خانه‌اش مرکز دعوت اسلامی قرار گرفته بود و همچنان از نخستین کسانی است که هجرت کرد و در غزوۀ بدر به شهادت رسید. برای معلومات بیشتر نگاه شود: أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ۱/ ۱۸۷، دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان. «مرکز تدوین»

۴. الإصابة فی تمییز الصحابة، الرقم: ۸۰۲۰. «مرکز تدوین»

جوانی که جز اشباع هوس‌های شورانگیز جوانی و تجمل‌پسندی حیات اشرافیان، هدفی در سر نداشت، به یکبارگی تنعم و هوسرانی را ترک گفته، آرمان بزرگ پخش و نشر رسالت جهانی اسلام را به عنوان یگانه ایده‌آل زندگی خود قرار داده و در این راه خود را در برابر آزمون‌های بزرگ قرار داد.^۱ و به همین ترتیب به تمجید و توصیف و بیان فضایل این جوان سرسپرده و نخستین سفیر اسلام می‌پردازد:

«... او نازدانه‌ترین و شیک‌پوش جوانان قریش بود؛ مگر اکنون فرزند رنج و محنت است، دیگر لباس‌های شوخ و شیک را در بر ندارد. موهایش ژولیده و لباس‌هایش خشن شده‌است، او دیگر به فکر کالای ابریشمین نیست. تنها هدف او پخش و نشر تعالیم و فرهنگ زندگی‌ساز اسلام است.»^۲

در ادامه، با استناد به آیات متبرکه الهی و سخنان گهربار رسول رحمت و آزادی در مورد جایگاه این صحابی پیامبر عظیم‌الشان اسلام، دفتر معرفی او را می‌بندد و به سراغ دیگر یار رسول رحمت می‌پردازد.

۳- سعد بن معاذ ~؛ استاد شهید این نوشته را با مقدمه زیبایی چنین می‌آغازد:

«با طلوع خورشید جهان‌تاب اسلام، فروغ درخشنده حقیقت بر دل‌ها تابیدن گرفت و تشنگان خیر و فضیلت، دعوت پیشوای بزرگ انسانیت را لبیک گفتند. در آنجاست که زورگویان جبار با پخش تعالیم جاویدان اسلام، منافع ناروای خود را در خطر می‌یابند، آنان درک می‌کنند که اگر این هدايات هستی‌بخش در میان مردم عمیق می‌شود، دیگر نمی‌توانند بندگان خدا را استعمار کنند، که بردگان‌شان آزاد می‌گردد، همان است که در تلاش آن می‌شوند تا این دعوت جهانی را در نطفه خنثی سازند. رهروان راه حق را که

۱. ما کیستیم و چه می‌خواهیم؟، ص: ۵۵ - ۵۶.

۲. همان، ص: ۵۶.

هنوز ضعیف و ناتوان اند شکنجه و عذاب می کنند، بلال ~ ،^۱ عمار^۲ ~ سخت شکنجه می شوند.»^۳

استاد شهید اسلام آوردن سعد را چنان برجسته و مهم شمرده و این گونه بیان می کند:

«اسلام آوردن سعد بن معاذ ~ از مهم ترین حوادث تاریخی به شمار می رود. با ایمان آوردن او گروه عظیمی از مردم ایمان آوردند. هر روز چهره ای جدیدی به اسلام مشرف می شد، آنانی که تا پیش از آوردن اسلام از دشمنان سرسخت اسلام بودند، به عنوان پیروان سرسپرده در سنگر اسلام داخل شدند...»^۴

سپس استاد شهید به زوایایی از زندگی این فرزند فرزانه اسلام و از مبارزان راستین مکتب رسول الله می پردازد و بعداً از محبت سعد بن معاذ نسبت به رسول الله سخن می گوید:

«روزها می گذرد، قوت و شکوه مسلمانان بیشتر می گردد، دیگر جایی برای نفاق افگنی و سودجویی یهودان عصیانگر در مدینه منوره باقی نمی ماند، یهودان مدینه که با مسلمانان پیمان بسته اند، در فکر نقض پیمان خود می شوند، با قبایل عرب که هنوز مسلمان نشده تماس می گیرند و آنان را علیه

۱. بلال پسر رباح ~ ، اولین مؤذن در اسلام است، که پیش از هجرت در منطقه «سراة» به دنیا آمد و در مکه بزرگ شد. زمانی که دین اسلام در مکه ظهور کرد، به جمع سابقین مسلمان درآمد. این صحابی بزرگوار در حالی به دین اسلام مشرف شد که تعداد مسلمانان از ده نفر بیشتر نبود. حضرت ابوبکر صدیق ~ کسی بود که او را آزاد ساخته بود. او در راه دین خدا و همسویی با حضرت پیامبر اسلام، مشکلات و رنج های زیادی را در مکه تحمل کرد. سپس به مدینه منوره هجرت کرد. بعد از وفات پیامبر خدا { ، به دمشق رفت. سرانجام داعی اجل را لبیک گفت. نگاه: صور من حياة الصحابة، ص: ۳۱۳. «مرکز تدوین»

۲. عمار بن یاسر بن عامر بن مالک بن قیس ~ ، از نخستین کسانی است که به پیامبر { ایمان آورده اند. در بدر اشتراک داشت. در زمان عمر ~ به حیث امیر کوفه تعیین شد. پدرش یاسر از یاران باوفای پیامبر خدا و مادرش سمیه اولین شهید در اسلام است. نگاه: «عمار بن یاسر رجل المحنة وميزان الفتنة والمؤمن الذي اشتاق عليه الجنة» از اسامه بن احمد سلطان، مؤسسة الريان، الطبعة الأولى ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م، بیروت - لبنان. و صور من حياة الصحابة، ص: ۵۲۱. «مرکز تدوین»

۳. ما کیستیم و چه می خواهیم؟، ص: ۶۷.

۴. همان، ص: ۷۱.

مسلمانان تحریک می‌کنند. رسول خدا Y سعد بن معاذ و سعد بن عباد^۱ و عبدالله بن رواحه T^۲ را به نزد آنان می‌فرستد؛ تا پیمان خود را نقض نکنند. آنان که پلان و دسیسه ساخته‌اند، می‌گویند: ما پیمانی با محمد Y نداریم. سعد بن معاذ آنان را عتاب می‌کند، ایشان نیز بر وی عتاب می‌کنند. جنگ خندق^۳ به وقوع می‌پیوندد، سعد بن معاذ در این جنگ جراحت عمیق می‌بردard و در آن حال که جراحت او را سخت تکلیف می‌دهد، او در غم

۱. سعد بن عباد^۱ ~ انصاری؛ یکی از اصحاب جلیل‌القدر و از قبیله خزرج است. رئیس و بزرگ قبیله خزرج بود. و از جمله آنانی است که در اوایل اسلام به پیامبر { ایمان آورده‌اند. پیامبر { در مورد او و خانواده او دعاهایی کردند. از جمله در حق شان چنین دعا می‌کند: «اللهم اجعل صلواتک ورحمتک علی آل سعد بن عباد^۱» زمانی که مسلمانان به مدینه منوره هجرت کردند، سعد بن عباد^۱ ~ مال و دارایی خود را در اختیار آنان قرار داد، او نهایت شخص کریم و سخی بود. سرانجام این صحابی بزرگوار در سال ۱۳ یا ۱۴ هجرت، در سرزمین شام از دنیا رحلت کرد. «مرکز تدوین»

۲. عبدالله بن رواحه بن ثعلبه ~ ؛ صحابی جلیل‌القدر انصاری از قبیله خزرج است. در بیعت عقبه دوم با هفتاد تن از انصار با پیامبر خدا بیعت کردند. بعد از هجرت پیامبر خدا به مدینه، میان او و مقداد بن عمرو پیمان برادری بست. او امین و کاتب وحی است، از جمله شاعرانی است که از پیامبر { با شعر و سروده‌های خویش از آن حضرت { دفاع می‌کرد. او مثال و الگویی است از مثال‌های مردان راستین در ایمان و اخلاص. او فدایی جان‌نثار در راه دین خدا ست. تمام سجايا و خصلت‌های نیک در او جمع بود، به پیامبر خدا مقرب بوده و از جمله فرماندهان باتجربه و دلیر اسلام بود. سرانجام این صحابی بزرگوار در جنگ مؤته به شهادت رسید. نگاه: عبدالله بن رواحه امیر شهید و شاعر علی سریر من ذهب، تألیف: الدكتور جميل سلطان، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۵هـ ق / ۱۹۹۴م. دمشق حلبی - بیروت و عبدالله بن رواحه، تألیف: محمد بن سعد الدبیل، ۱۴۱۵هـ ق / ۱۹۹۴م. الرياض، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، إدارة الثقافة والنشر، دیوان عبدالله روجه و دراسة فی سیرته و شعره، د. ولید قصاب الأستاذ المساعد فی کلیة الآداب - جامعة الرياض، دارالعلوم للطباعة والنشر ۱۴۰۲ هـ ق / ۱۹۸۲م، الطبعة الأولى ۱۴۰۲هـ / ۱۹۸۱م. «مرکز تدوین»

۳. غزوة احزاب یا غزوة خندق؛ در شوال سال پنجم هجری به‌وقوع پیوسته‌است. سبب این بود که بعد از آنکه «بنی نضیر» کوچانده شد، تنی چند از رهبران‌شان به مکه آمده و قریش را به نبرد با فرستاده الله Y تشویق کردند. قریش نیز پیشنهادشان را پذیرفت، سپس آنان به قبیله عطفان رفتند، عشاير بنوقراره، بنومره و اشجع نیز حرف‌های‌شان را قبول کردند و سوی مدینه رهسپار شدند. وقتی که رسول الله Y از تصمیم دشمنان اطلاع حاصل کرد، با اصحاب به مشوره پرداخت، حضرت سلمان فارسی ~ مشورت داد تا در اطراف مدینه خندق حفر کنند و رسول الله Y مطابق مشوره سلمان فارسی ~ به حفر خندق دستور داد و خود نیز با اصحاب در حفر خندق سهم گرفت، از همین سبب این غزوه به‌نام «غزوة خندق» نیز مشهور شد. تعداد کفار در این غزوه به ده هزار نفر و از مسلمانان به هزار تن می‌رسید، تمام گروه‌های مشرکین در این غزوه شرکت کرده بودند، از همین جهت به‌نام «غزوة احزاب» یاد شده‌است؛ ولی با این همه، سرانجام مشرکان شکست خوردند و مسلمانان پیروز شدند. در مورد این غزوه آیاتی نیز آمده‌است. نگاه: «سیرت نبوی درس‌ها و اندرزها»، اثر دکتر مصطفی سباعی، مترجم: فضل‌الرحمن فاضل، ص: ۶۴-۶۵. «مرکز تدوین»

خود نیست؛ بلکه در فکر آینده اسلام و حمایت رهبر محبوب و گرانمایه خود رسول اعظم Y است. او در آن حال می‌گوید: خدایا! اگر جنگی با قریش باقی مانده باشد، مرا زنده نگهدار! زیرا سخت علاقه‌مند آنم با آنانی بجنگم که پیامبر بزرگ را آزار داده و او را از دیار حرم کشیده‌اند، خدایا! اگر جنگ میان ما و قریش به نهایت رسیده باشد، پس شهادت را از این راه نصیب من گردان^۱ و تا زمانی مرا نمیران که از پایان کار یهود بنی قریظه خاطر جمع شوم!^۲»^۳

در پایان این دفتر، استاد، پرونده زندگی سعد بن معاذ- این فرمانده و سردار آزاده اسلام - را چنین می‌بندد:

«رسول خدا به خانه سعد می‌رود، می‌بیند که این قهرمان بزرگ فوت کرده است^۴ و با رحلت او جهان اسلام بزرگ‌ترین قهرمان راه حق را از دست داده است. او تا آن روز که جام شهادت را می‌نوشتید، در راه برتری دین خدا از هیچ‌گونه فداکاری‌ای دریغ نکرد.»^۵

۴- سیدالشهداء امام حسین رضی الله عنه: استاد شهید همانند معرفی دیگر یاران باوفای رسول گرامی، امام حسین را چنین به معرفی می‌گیرد:

«امام حسین، سیدالشهداء، دومین فرزند حضرت علی بن ابی طالب - کرم الله وجهه - در سال چهارم هجری چشم به جهان گشود و در خاندان رسالت بزرگ شد و تعالیم والای اسلام را در صبحگاه صباوت از زبان جد بزرگوارش، رهبر انسانیّت رسول اعظم Y به گوش دل شنید و ارزش‌های پرارزش آن را در حیات عملی پدر گرانمایه‌اش به چشم سر ملاحظه کرد و در محیط تقوی و فضیلت، دانش و معرفت رشد یافت و شخصیت ارجمند او در این محیط فیض‌بار به اسرار و معارف حقیقی اسلام آشنا شد. او در بامدادان

۱. صحیح البخاری، ۳۸۹۶ و صحیح مسلم، ۱۷۶۹. «مرکز تدوین»

۲. مسند أحمد، ۱۴۳۵۹. «مرکز تدوین»

۳. ما کیستیم و چه می‌خواهیم؟، ص: ۷۵-۷۷.

۴. البداية والنهاية، وفاة سعد بن معاذ. «مرکز تدوین»

۵. ما کیستیم و چه می‌خواهیم؟، ۷۸.

زندگی خود به این حقیقت آشنا گشت که از ارمان‌های بزرگ تعلیمات والای اسلام این است که مسلمان باید برای تعمیم عدالت و مساوات کوشش بیشتر کند و برای از بین بردن ظلم و بیدادگریِ مُبارزهٔ خستگی‌ناپذیر را در پیش گیرد، همان است که تاریخ زندگی او قاموس عظیمی از پرافتخارترین مبارزات جهان اسلام و تاریخ بشریت را تشکیل می‌دهد.^۱

و بعد حادثهٔ خونین کربلا را به بحث گرفته و این واقعه را «حماسهٔ جاویدانی و سرود شورانگیزی می‌داند که روان رهروان راه حق را جان تازه بخشید.^۲

استاد شهید واقعهٔ کربلا را از دیدگاه شخصیت‌ها و پژوهشگران صادق جهان مورد بررسی گرفته و دیدگاه توماس کارلایل را چنین ذکر می‌کند:

«بهترین درسی که از تراژیدی کربلا می‌گیریم، این است که حسین و یارانش ایمان استوار به خدا داشتند، آنان با عمل خود روشن کردند که تفوق عددی در جایی که حق با باطل روبه‌رو می‌شود، اهمیت ندارد و پیروزی حسین با وجود اقلیتی که داشت، باعث شگفتی من است.»

در فرجام بحث تربیت‌یافتگان مکتب نبوت، استاد شهید دفتر زندگی سیدالشهداء امام حسین را این‌گونه خلاصه می‌کند:

«این انقلاب عظیم در نظر جهانیان بغایت بزرگ و آموزنده است.»^۳

دفتر سوّم: نگاه گذرا «به کارنامه‌های جمعیت اسلامی افغانستان در ابعاد مختلف جهاد:

استاد شهید در این مبحث کارنامه‌های جمعیت اسلامی افغانستان را در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، تعلیمی و تربیتی، اجتماعی را در گذشته و اوضاع کنونی و موقف جمعیت در برابر آن را به مطالعه می‌گیرد.

- استاد شهید کارنامهٔ جمعیت اسلامی را در بعد سیاسی به گونهٔ فعال

۱. ما کیستیم و چه می‌خواهیم؟، ص: ۸۱.

۲. همان، ص: ۸۲.

۳. همان، ص: ۸۹.

بررسی کرده و از ایجاد روابط با کشورهای قدرتمند دنیا و سفرهای دیپلماتیک و گفت‌وگوهای رودرو، بیان اهداف دولت اسلامی و .. مسایل یاد می‌کند:

« جمعیت اسلامی همزمان با تأکید روی اصل خلل‌ناپذیر جهاد مسلّح، به فعالیت سیاسی، ارزش عمده قایل بود. جمعیت اسلامی معتقد بود که روابط مجاهدین با کشورها و مؤسّسات بین‌المللی از سرپرده خفیه‌کاری‌های ایجنّت مآبانه نجات یابد و روابط بین‌المللی انقلاب اسلامی از سطح ارتباط با مأمورین سرّی ورده‌های پایین کشورها، مستقیماً با رؤسای دول برقرار گردد و در آن دورانی که هیاهو و غوغای تبلیغاتی علیه جمعیت به راه انداخته شد، روی این باور که این گردباد زودگذر است و اهداف برتر را نباید به‌خاطر جلوگیری از به‌صدادرآمدن طبل‌های توخالی تبلیغات، قربان کرد و روی این اصل که باید مجاهدین مستقیماً قضایای خود را خودشان بدون قیّم و سرپرست با زعما و رهبران کشورها در میان گذارند، سفرهایی به کشورهای اروپایی و امریکا صورت گرفت و در برابر زعمای این کشورها صریح و قاطعانه از انقلاب اسلامی افغانستان صحبت به عمل آمد و در اوّلین صحبتی که با رئیس‌جمهور سابق امریکا رونالد ریگان^۱ بعد از ملاقات او با رئیس‌جمهور شوروی صورت گرفت، صریحاً برایش گفته شد: ملت افغانستان اجازه نمی‌دهد «یالتای»^۲ دوّم به عمل آید و بار دیگر روس و امریکا جهان را تقسیم کنند و ریگان در جواب گفت: ما هرگز این چنین

۱. رونالد ویلسن ریگان؛ (۱۹۸۱ - ۱۹۸۹) چهلمین رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا، از حزب جمهوری‌خواه آن کشور بود. «مرکز تدوین»

۲. آلتایان یا یالتایان؛ در مفهوم وسیع به اقوام و قبایل ترکی‌زبان ساکن سرزمین آلتای شوروی، چین و مغولستان اطلاق می‌شود و به دو بخش آلتایان شمالی و جنوبی تقسیم می‌گردد. نام آلتای با گذشت سده‌های دراز هنوز در پرده‌ای از ابهام باقی مانده و چنان‌که باید به درستی روشن نشده است، بعضی محققان معتقدند که این نام از واژه مغولی «آلتا» یا «آلتان» پدید آمده که به معنای زر است، قدیم‌ترین نام ترکی که سرزمین آلتای جنوبی بدان نامیده شد، آلتین، بیش یا آلتون، بیش به معنای کوه‌های زرین است که در سنگ‌نبشته مشهور «اورخون» آمده است، آلتایان نیز پس از انقلاب اکتوبر در روسیه و تأسیس منطقه قومی خویش از ۱۹۲۲م، نام مغولی اویرات را بر خود و سرزمین خویش نهادند، حال آنکه نام مذکور به القوم‌ها تعلق داشت. نگاه: دایرةالمعارف بزرگ شوروی روسی، ج: ۲ و ۳. «مرکز تدوین»

کاری نمی‌کنیم. و طی این دیدارها در امریکا و کشورهای اروپایی شرح مواضع انقلاب اسلامی افغانستان، تبلیغات گسترده‌ای به نفع جهاد اسلامی و ملت قهرمان ما به عمل آمد. امیر جمعیت اسلامی طی سفر دیگری که به کشورهای سنگال، نیجریه، گابون و دیدار با رؤسای جمهور این کشورها داشت، آواز انقلاب اسلامی را تا اعماق افریقا رسانید.^۱

- در بعد نظامی، استاد شهید کارنامه جمعیت اسلامی را به گونه مشرح و با استناد به نمونه کارها به بررسی می‌گیرد و می‌افزاید:

«جمعیت در طول دوران رستاخیز مسلح جهادی، همیشه در پیشاپیش صفوف گروه‌های رزمنده، سنگین‌ترین بار مسئولیت را حمل کرده‌است.»^۲

استاد شهید در این مبحث از ایجاد نخستین مراکز تربیتی نظامی در محیط جهاد و تربیت و تبارز فرماندهان نظامی و جسور، سخن می‌گوید و با ذکر مثال مراکز تربیتی چون: حربی پوهنتون، حربی شونزی، غند خالد بن ولید و.. از افراد نظامی مبارزی چون: قهرمان ملی احمدشاه مسعود، استاد ذبیح‌الله، محمد اسماعیل طارق، صفی‌الله فضل‌ی، ملانقیب‌الله آخوندزاده و.. یاد می‌کند.

- این چنین در بعد تعلیمی و فرهنگی، استاد شهید از ایجاد مراکز تعلیمی و تربیتی، دارالحفاظ‌ها، مکاتب و پرورشگاه‌ها و.. یاد کرده و هدف از ایجاد مراکز تعلیمی و تربیتی را از سوی رهبری جمعیت اسلامی این‌طور بیان می‌کند:

«جمعیت معتقد بود، اگر به تعلیم و تربیت و به‌خصوص به ناحیه دینی در تربیه جوانان توجه نگردد، انقلاب اسلامی به بیراهه کشانده می‌شود.»^۳

سپس از نهادهای آموزشی‌ای چون: لیسه مجاهد، اکادمی پولیس، اکادمی علوم اسلامی یاد کرده و هدف از ایجاد این مراکز مهم تعلیمی و تربیتی را چنین خلاصه می‌کند:

۱. ما کیستیم و چه می‌خواهیم؟، ص: ۹۵ - ۹۶.

۲. همان، ص: ۱۰۵.

۳. همان، ص: ۱۱۴.

«هدف جمعیت در تأسیس مدارس مختلف، از یک طرف مُبارزه با جهل و بی‌دانشی و از جانب دیگر تربیه کادرهای مسلمان است؛ تا در دوران تأسیس حکومت اسلامی در افغانستان بتوانند چرخ‌های دولت را فعال بسازند و جلو انحراف از اهداف اسلامی را در بخش‌های مختلف بگیرند.»^۱

استاد شهید کارکردهای جمعیت اسلامی را فراتر از ایجاد مراکز تعلیمی و تربیتی بیان کرده و در قسمت مطبوعات و رسانه‌ها نیز درخشش جمعیت اسلامی و نقش آن را دقیق و مستدل بیان کرده و از فعالیت‌های رسانه‌های چاپی در سطح ولایات و بیرون از کشور به زبان‌های خارجی بیان کرده و تعدادی از آن نشریات نام می‌برد از جمله: «ندای جهاد، بشارت، سنگر، مرصد جهاد، راهیان سحر، شوری، کاروان جهاد، طلوع انقلاب، فروغ انقلاب، پیمان مجاهد، نبرد حق، لوی توحید، کابل، لوی اسلام، پیام آزادی، ننگرهار، راه حسین و...»^۲

به همین ترتیب کارکردهای دیگری را نیز در بخش نشریات طبقه‌بندی، بخش ورزش و غیره... به بحث و بررسی می‌گیرد.

- استاد شهید کارنامه جمعیت را در بعد خدمات اجتماعی؛ نیز به مطالعه گرفته و می‌افزاید:

«جمعیت در بخش‌های صحّی و خدمات اجتماعی و امور بازسازی، فعالیت‌های پرثمری انجام داده است.»^۳

در ادامه استاد شهید از تأسیس شفاخانه‌ها برای تداوی بیماران و مجروحان مجاهدین، تأسیس صدها باب مکتب به هدف تعلیم و تربیت فرزندان کشور، اصلاح زمین‌های زراعتی، اعمار سرک‌ها، ساختن مساجد و اداره سالم اسلامی را از کارکردهای مهم جمعیت اسلامی در بخش خدمات اجتماعی (عامه المنفعة) یاد می‌کند.

در پایان این مبحث استاد شهید، موقف جمعیت اسلامی را در اوضاع

۱. ما کیستیم و چه می‌خواهیم؟، ص: ۱۱۴-۱۱۵.

۲. همان، ص: ۱۱۶.

۳. همان، ص: ۱۱۷.

آن روز بیان می کند و دفتر سوّم این کتاب با همین بحث پایان می یابد.

در پایان کتاب: نمایه ای از آیات، احادیث، اسماء و اشخاص، اماکن، گروه ها، احزاب و قبایل، مفاهیم و اصطلاحات، به هدف آسان سازی تحقیق، از سوی مرکز تدوین، ترتیب و تنظیم گردیده است.

همین گونه منابعی ای که از سوی مرکز تدوین در این کتاب کار شده است، در دو بخش عربی و فارسی نیز با روش APA تنظیم گردیده و در پانویس هایی که استفاده شده است، جمله «مرکز تدوین» آمده که نشان دهنده امانت داری این مرکز را نشان می دهد؛ یعنی آنچه در پانویس ها توضیح داده شده است، کاری است از جانب این مرکز.

یافته های این نوشته:

چنان که برای خواننده این مقال معلوم است، استاد شهید نه تنها در عرصه کارهای سیاسی و نظامی، دست بلند داشتند و یک ملت را برای دفاع از عقیده، ایمان، سرزمین و استقلال شان متحد و یکپارچه ساختند، در عرصه علمی و فرهنگی، نیز کارنامه های درخشانی را به یادگار گذاشتند که نمونه آن را می توان در مقالات و کتاب های ایشان و سخنرانی های علمی و پیام های متنوع شان به وضوح دید و به قضاوت نشست.

که این مجموعه نیز از این دست کارهایی است که به ادعای ما مهر تأیید می زند.

پیشنهاها:

مرکز تدوین آثار استاد شهید به عنوان یکی از مراکز عمده و اساسی در بخش گردآوری، تدوین و نشر و پخش آثار استاد، کارهای ارزشمندی را انجام داده است و به اطمینان می توان گفت که فکر استاد و اندیشه او را دوباره بازتولید و نشر می کنند و در ترسیم یک نقشه راه برای علاقه مندان فکر و خط استاد، تلاش ورزیده اند، می سزد که به این مرکز بیشتر از پیش

توجه مادی و معنوی صورت گیرد و در قسمت توسعه و انشکاف این مرکز کارهای اساسی‌تر دیگری نیز انجام شود؛ تا آثار استاد هرچه بیشتر و خوب‌تر گردآوری، تصحیح، تدوین و چاپ و نشر و پخش گسترده‌تر گردد.

به امید روزی که این آثار هرچه بیشتر مورد توجه و استفاده اهل قلم و مطالعه قرار گرفته و رهروان راه استاد، راه و مسیر خویش را از این طریق بیابند و به راه‌های غیر از این پشت کنند. چون در باور ما راه و مسیر استاد، مسیر اسلام معتدل و بیداغری، دعوتگری و شورشگری در برابر استبداد و بی‌عدالتی بود و است.

نیم‌نگاهی به پیغام رهبر جلد چهارم
نویسنده: انجینیر رحیم‌الله حقجو عضو مرکز تدوین



الحمد لله رب العلمين والصلوة والسلام على رسوله محمد وعلى آله
وأصحابه اجمعين؛

أما بعد: فَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ:
﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَصَىٰ نَجْبَهُ
وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾^۱

(در میان مؤمنان مردانی هستند که با خدا راست بوده‌اند و در پیمانی
که با او بسته‌اند، برخی پیمان خود را به سر برده‌اند [و شربت شهادت
سرکشیده‌اند] و برخی نیز در انتظارند؛ [تا کی توفیق رفیق می‌گردد و جان را به
جان آفرین تسلیم خواهند کرد] آنان هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان
خود نداده‌اند [و کم‌ترین انحراف و تزلزلی در کار خود پیدا نکرده‌اند].)

با وجودی که نوشتن در مورد شخصیت و نوشته‌های بزرگمردی به قامت
استاد شهید برهان‌الدین ربانی W ، برای من تازه وارد دنیای قلم بسی
سخت و دشوار است؛ ولی با این همه، بنا بر دلایلی می‌خواهم نکاتی را در
حد توان خویش بنویسم و دانستی‌های خود را پیرامون کتاب «پیغام رهبر
جلد چهارم» روی کاغذ بیاورم.

استاد شهید یکی از به‌عنوان دانشمندان کم‌نظیر، نویسنده بلندپرواز،
ادیب با معرفت، همیشه در همه، پهلوهی زندگی‌اش تعادل را حفظ
کرده‌است. استاد به‌عنوان یک انسان ارزش‌مدار، همیشه به ارزش‌هایی که
معتقد است، آن را پاس داشته و برای تحقق آن رزمیده‌است. استاد تاریخ

و وقایع را فراموش نکرده و از هر لحظه‌ای برای رساندن پیام خود سود می‌جست. استاد - پیوسته و به ویژه در این نوشته‌ها - درد ملتش را به تصویر کشیده و برای برون رفت از معضلات جانکاه طرح می‌ریخت و حرکت می‌کرد.

یکی دیگر از برازندگی‌های استاد میانه‌روی ایشان در هر حال و هر و مکانی بود.

این چنین استاد دارنده یک خط ثابت فکری بود که در همه حال و احوال، بر مبنای آن تعامل می‌کرد. استاد با وجودی که به منافع ملی سرزمینش می‌اندیشید، پیوسته پیوند خود را در قالب یک امت تعریف می‌کرد و هم باورانش را در هیچ نقطه‌ای فراموش نمی‌کرد و درد امت را درد خودش می‌دانست. به قول فانی: با هر دلی که شاد شود، شاد می‌شد و هر که دلارام رفت شریک غمش می‌شد. این شاخصه‌ای است که استاد را نسبت به دیگران متمایز می‌سازد. برای ثبوت این مدعا در سطورهای بعدی دلایلی خواهم آورد.

جولانگاه تفکر استاد فراخ بود. تفکر او چون عقاب بلندپروازی بود که دشت و کوه نمی‌شناخت و مرزبندی را نمی‌پذیرفت و از سرد و گرم روزگار هراسی نداشت.

به همین منوال آزادی، یکی دیگر از صفات شخصی استاد و از ویژگی‌های نوشته‌های استاد است که در همه بخش‌های زندگی استاد و در همه نوشته‌های او، جلوه‌گری کرده است. بلی، استاد در نوشته‌ها، گفتارها و پیام‌های خود همیشه بسیار آزاد سخن گفته و در بند بیم و امیدی قرار نگرفته است.

کتاب «پیغام رهبر جلد چهارم» داری پیام‌های متفاوتی است که به مناسبت‌های مختلفی نگاشته شده است که عناوین قرار ذیل است:

- ۱- قیام اسلامی ملت مسلمان فلسطین؛
- ۲- شهادت رادمرد دلیر محمد اسماعیل طارق؛

- ۳- غوغای حلّ سیاسی در افغانستان؛
 - ۴- آغاز دور دوم نشرات جریده مجاهد؛
 - ۵- به فرماندهان، مجاهدین و ملت مسلمان و قهرمان افغانستان؛
 - ۶- به مناسبت سال جدید ۱۳۶۳ هـ.ش؛
 - ۷- سالروز سیاه شش جدی سال ۱۳۶۴ هـ.ش؛
 - ۸- به مناسبت آغاز سال نو ۱۳۶۵ هـ.ش؛
 - ۹- به مناسبت حلول سال نو ۱۳۶۶ هـ.ش؛
 - ۱۰- هشتمین بهار خونین میهن؛
 - ۱۱- به مناسبت عید سعید اضحی سال ۱۴۰۸ هجری قمری؛
 - ۱۲- به مناسبت توطئه تجاوزگران روسی.
- این مجموعه از پیام‌ها دارای محتوای مختلف بوده که اینک به شکل کلی مروری بر شماری از آن‌ها:

۱- به مناسبت قیام اسلامی ملت مسلمان فلسطین:

استاد شهید در این پیام، از موضع برحق ملت فلسطین یاد کرده و این مبارزه را مبارزه مردم مستمند و بیچاره فلسطین دانسته و از اشغالی بودن سرزمین‌شان توسط رژیم سفاک اسرائیل سخن گفته و از وحشت آنان یاد آور شده و هیبت ملت مظلوم را به رخ اسرائیل می‌کشد.

استاد در این پیام خاطر نشان می‌کند که این مبارزه از درون مردم شکل گرفته و به شکل هیچ یکی از مبارزات ساخته و باخته مکاتب بشری نیست و در واقع این مبارزه مبارزه حق با باطل است.

استاد در بخشی از این پیام چنین می‌نویسد:

«این قیام زاده ابتکارات گروه‌های سازشگر چپ و راست نیست، که سال‌ها تلاش کردند، عنصر راهگشا و الهام‌بخش اسلام را از مُبارزه ملت فلسطین جدا ساخته و آن را یک مُبارزه بی‌روح و بی‌محتوی سازند. بلی؛ قیام کنونی ملت فلسطین، محصول شاخه زیتون و شعارهای توخالی

انقلابیون قلابی بی‌فرهنگ و محتوی، چپ‌گرا و نیشنلیست نیست، که سال‌ها کاری جز حرف و شعار نداشتند؛ این قیام از ضمیر ملت مؤمن فلسطین، از میان کودکان و نوجوانان، پیرمردان و بیوه‌زنان بانقوی و مؤمن، از داخل سرزمین‌های اشغالی، از میان اردوگاه‌های آوارگان برخاسته است.^۱

۲- به مناسبتِ شهادتِ رادمرد دلیر محمد اسماعیل طارِق:

استاد همیشه با قدرشناسی‌ای که دارد، پاس همه یارانش را داشته و هر لحظه‌ای که فرصت یافته است دست نوازش را به سوی آنان دراز کرده است. استاد در این پیام از شهامت و دلیری محمد اسماعیل طارِق یادآوری کرده و او را صادق بر اندیشه و مکتبش دانسته و نمونه‌ای از شهامت او را به تصویر می‌کشد که او با شکم گرسنه به مبارزه خود شروع کرد و شجاعانه در مسیر و هدفش به شهادت رسید.

استاد در قسمتی از این پیام چنین می‌نگارد:

«او، یک‌تن از آن چهره‌های تابناک و رزمندگان مؤمن میهن عزیز بود که نظیر آنان در میان فرماندهان کشور بسیار محدودند. او فرماندهی بود دلیر و بادرایت، جوانی بود آگاه و اندیشمند، رزمجویی بود، عالم و با فرهنگ؛ با آنکه اندام نحیف و لاغر داشت؛ اما از قوت و انرژی خارق‌العاده بهره‌مند بود. او اگرچه در محیط ناز و نعمت بزرگ شده بود؛ اما در سنگرگاه‌ها، در سخت‌ترین اوضاع، فوق‌العاده مقاوم بود.»^۲

۳- به مناسبتِ غوغای حلّ سیاسی در افغانستان:

استاد در این پیام همچنان که به زوایای مختلف مسأله پرداخته، از شهامت و شهادت ملت قهرمان نیز یاد کرده و مسأله حلّ سیاسی را یک مانور دانسته است. در این نبشته استاد از موقف برحق مردمش دفاع کرده

۱. پیغام رهبر، ج ۴، ص: ۱۷-۱۸.

۲. همان اثر، ص: ۲۳.

و از دست پنهان روس‌ها پرده بر می‌دارد و بازی‌های پشت پردهٔ استعمار را توهین بر حرکت برحق مرم می‌داند و سرانجام حرکت‌های شوم آنان را ناکام می‌خواند و پیروزی را از آن مردم برحق افغانستان می‌داند. در بخش‌هایی از این پیام آمده‌است:

«غُرش هولناک هواپیماهای بم‌افکن و انفجار سهمگین راکت‌های دُورزن و بم‌های ویرانگر، هیولای مرگ را هر آن، در برابر دیدگان غم‌آشنای ملت محروم ما مجسم می‌سازد و در این اوضاع و احوالی که به‌علت تجاوز یغماگران سرخ روسی، سرزمین ما به حمام خون و مسلخ انسان‌های مظلوم تبدیل شده و رنج‌های بی‌پایان، گلوی ملت دردمند ما را به‌شدت می‌فشارد، بار دیگر غوغای حلّ سیاسی، آتش‌بس یک‌طرفه و حکومت آشتی‌مِلّی و دعوت مهاجرین، دوباره به میهن‌شان به عمل می‌آید.... اما این بار غوغا و آوازهٔ آن شدت بیشتری دارد و چنان بر می‌آید که پشت‌پرده چیزهای تازه‌ای وجود دارد، تصریحات مکرر زمامداران کرملین سفر وزیر خارجهٔ دشمن به کابل، مسافرت معین وزارت خارجهٔ روسیه به پاکستان، تبلیغات وسیع و گستردهٔ دارودستهٔ پرچم در کابل، بیانگر جدّی بودن بازی جدید می‌باشد»^۱

۴- به‌مناسبت آغاز دور دوم نشرات جریدهٔ مجاهد:

استاد گرانمایهٔ ما در این جستار به دو بعدی از مبارزهٔ برحق‌شان اشاره می‌کند و هردو را مهم تلقی کرده و متمم یک‌دیگر می‌داند، اگر یک مبارز در سنگر خود دارد بزرگ‌ترین مظهر شهامت را به نمایش می‌گذارد، مبارزهٔ فرهنگی هم بعد دیگری از این مبارزه است. استاد می‌گوید برای تربیت مبارزان به چنین مبارزه‌ای نیاز بوده و آن را بزرگ‌ترین گام مؤثر می‌داند.

استاد شهید در بخشی از پیامش چنین می‌نویسد:

«همان‌طوری که سنگر‌نشینان تاریخ‌ساز کشور با شلیک مسلسل‌ها و آتش‌بارهای‌شان حماسه می‌آفرینند و با حملات قهرمانانه‌شان چون صاعقه

بر سر دشمن نازل شده و صفوف آنان را تار و مار و بنیان کفر و استبداد را به شدت کوبیده و ویران می‌سازند؛ مجاهدان روشنگر، نیز در سنگر قلم، دل ظلمت‌ها را می‌شگافند و ملت انقلابی و مؤمن خود را در نشیب و فراز انقلاب خونبار کشور، رهبری و هدایت می‌کنند و با افشای جنایات خصم خون‌آشام، دام تزویر دشمن را بی‌کار و نابود ساخته، کنگره ستمگران را به لرزه در می‌آورند. به راستی پیکارگران مؤمن، با قلم و شمشیر، کتاب و مسلسل، هر دو مبارزه می‌کنند. جهاد امت اسلامی ما فقط مُبارزه یک بُعد نظامی نیست، این مُبارزه همه‌گیر، همه ابعاد نظامی، فرهنگی و تشکیلاتی را شامل است»^۱

۵- به فرماندهان، مجاهدین و ملت مسلمان و قهرمان افغانستان:

در این پیام استاد شهید اول از پیروزی بزرگ صحبت کرده و این پیروزی را پر از دستاورد می‌خواند و سپس استاد به مجاهدین گوشزد می‌کند که پس از پیروزی فصل تازه‌ای از دسایس در برابر این گهر قیمتی که همانا پیروزی است، شروع خواهد شد و فصل تازه‌ای از مبارزه آغاز خواهد شد. در این پیام استاد مجاهدین را به قربانی‌هایی که در راه رسیدن به پیروزی لازم است، فرا خوانده و آنان را متوجه رسالت بزرگی که همانا حفاظت از ارزش‌ها و پاسداری آرمان جهادشان است می‌سازد و راه مبارزه را دوامدار دانسته و مجاهدین را به دور از هوی و هوس فرا می‌خواند. استاد چنین می‌گوید:

«در چنین اوضاع و احوالی که از یک طرف پیروزی‌های بزرگ و تاریخی نور امید بر دل‌ها می‌تابد و از جانبی ظهور دسایس شوم و سنگین از افق تاریک و ظلمانی دسیسه‌گران توجّه همه ما را به خود جلب می‌کند»^۲

در بخشی دیگر این پیام چنین می‌گوید:

«این پیروزی، حاصل رنج‌های فراوان آن آوارگان جدا از میهن است که

۱. پیغام رهبر، ج ۴، ص: ۴۳.

۲. همان اثر، ص: ۵۰-۵۱.

در دیار دیگران با وضع رقت‌بار همراه با کودکان پابرنه و عریان و خانواده‌زار و افسرده‌شان در اردوگاه‌های حرمان و بیچارگی منت‌کش ناکسان و محتاج‌هر سفله و بی‌مایه شده‌اند و چه شب‌ها که از گرسنگی تا صبحدم بیدار مانده‌اند و چه روزها که در گرمی سوزان به سراغ جرعه آبی در بادیه‌ها و بیابان‌ها به راه افتاده‌اند.... اما هنوز منزل به پایان نرسیده‌است، نقش پای دشمن تا هنوز باقی‌است، دولت عدل الهی - که میراث خون شهیدان گلگون‌کفن ما و آرمان والای مادران داغ‌دیده و رزم‌آوران حماسه‌آفرین و خواسته همه افراد ملت ماست - تا هنوز به‌دست نیامده‌است.»^۱

و یا هم در ادامه این پیام چنین می‌نگارد:

«بعضاً هوی و خواسته‌های نفس، مانع پیشروی و ادامه مبارزه می‌گردد، چنان‌که در روزهای نخست انقلاب، چه بسا کسانی که در نیمه راه ماندند و یا به بیراهه رفتند، جهاد با خاصیت گهرسنجی‌ای که دارد، صفوف رزم‌جویان صادق را از مدعیان کاذب جدا می‌سازد.»^۲

۶- به مناسبت سال جدید ۱۳۶۳ ه.ش:

استاد در این پیام، سال جدید؛ یعنی سال ۱۳۶۳ را به هموطنان عزیز خود تبریک گفته و با ادبیات بلند و تعبیرهای شگرفی که دارد، از عمق حزن و از گستردگی غم و اندوهی که بر ملت ما سایه افکنده‌است، تعبیر می‌کند؛ اما با وجود این همه غرش توپ‌های غول‌پیکر و نهیب و هواپیماهای ویرانگر، باز هم استاد از مبارزه، خون و شهادت سخن می‌زند و مردم را بر حفظ پایگاه خود و استقامت در برابر دسایس، فرا می‌خواند که این پیام خواندنی و شنیدنی است.

اینک بخش‌های از پیام را با هم می‌خوانیم:

«دیگر در دوران بهار، کشور جایگاه نوای بلبل و جولانگاه گل نیست.

۱. پیغام رهبر، ج ۴، ص: ۵۰.

۲. همان اثر، ص: ۵۱.

غُرش توپ‌های غول‌پیکر و نهیب هواپیماهای ویرانگر دشمن، گوش‌ها را می‌خراشد، به جای نسیم صاف و روح‌پرور بهاری، دود غلیظ باروت، افق‌ها را تیره و تار ساخته‌است.

دیگر کودکان معصوم با هم‌سالان خویش به‌روی مَرغزارهای کشورشان، مستی و بازی ندارند؛ بلکه در میان موج خونِ پدران و مادران‌شان می‌غلطند. به‌جای خنده، آه و اشک و جای زمزمهٔ شادی را فریاد و ناله گرفته‌است.^۱

۷- به مناسبت سالروز سیاه شش جلدی سال ۱۳۶۴ هـ.ش:

در این پیام، استاد از شش سال مبارزهٔ خونین مردم در برابر استعمار، سخن گفته و شهادت و خون را عامل اساسی این پیروزی خوانده‌است. استاد همیشه از رشادت و شهامت مردم یادآوری کرده و مبارزهٔ آنان را ستودنی خوانده‌است، استاد در این پیام، پایداری و ایمان به خط مبارزه را دلیل ثبات و استواری آنان می‌داند و آرزوی موفقیت در این مسیر را به همه آرزو می‌کند و در قسمتی از این پیام چنین می‌خوانیم:

«با این همه وحشت و جنایت، دشمن را با عزم راسخ و ایمان قوی درهم کوبیدید و به جهاد خویش ادامه دادید، ضربات کوبندهٔ تان را بر پیکر پلیدش وارد کردید، اگرچه از میان شما هم، رزمندگان باایمانی به درجهٔ رفیع شهادت نایل گشتند؛ اما ضربات شما به دشمن سنگین‌تر بود.»^۲

۸- به مناسبت آغاز سال نو ۱۳۶۵ هـ.ش:

در این پیام استاد سال نو را همگام با مسیر پیروزی و باز شدن روزنهٔ پیروزی بر همگان خجسته باد می‌گوید، طبق معمول بر شهادت و پایمردی مردم مهر تأیید گذاشته و پیروزی را نتیجهٔ قربانی‌های بی‌شمار مردم می‌داند. استاد، در این پیام از شکست و شرمساریِ غولان سرخ با یاران باعزت و باوقارش حرف می‌زند و شکست افتتاح آمیز این غولان را مبارکباد می‌گوید.

۱. پیغام رهبر، ج ۴، ص: ۶۵-۶۶.

۲. همان اثر، ص: ۷۲.

استاد در بخشی از این پیام چنین می‌نویسد:

«دیگر ادعاهای کاذبانه آن در اظهار پشتیبانی و حمایت از کارگران و دهقانان و ملت‌های محروم و مستضعف، بی‌اثر گشته و ترفندهای شیطانی و توطئه‌های پس پرده آن در جهت اغوای ملت‌های دربند ستم جهان، قدرت کاربرد خود را از دست داده و نقاب از چهره ستم کارانه و ماهیت خون‌خوارانه آن برداشته شده و همه جهانیان به رسوایی و روباه‌صفتی آن پی برده‌اند و ملت‌های در قید سلطه کمونیزم آگاه و بیدار گشته‌اند و همین اکنون در حال تشکّل و قیام و مبارزه علیه این غول وحشی در روسیه و کشورهای اقمار آن قرار دارند و جهانیان به‌زودی شاهد واژگونی این نظام استبدادی و نابودی کرمین نشینان خواهد بود. این همه از برکت ایمان عمیق شما ملت سلحشور افغان به ایدیولوژی‌رهای بخش اسلام و تمسک شدید شما به رسن متین الهی و پایداری و استقامت شما در جهاد فی سبیل الله می‌باشد.»^۱

نتیجه سخن اینکه:

پیغام رهبر جلد چهارم، با وجود حجم کوچکی که دارد، از یک‌سو بیانگر مفاهیم و مصادیق متعدد است، از سوی دیگر از یک بخش بزرگی از رویدادها و مظالم و سرگذشت‌هایی تعبیر می‌کند که امت ما و مردم با آن روبه‌رو بوده‌اند، در کنار این نباید فراموش کرد محتوای این پیام مبین یک دیدگاهی است که توانسته شور به پاکند و در میدان مبارزه قیامت به پاکند، همچنان‌که این پیام‌ها به صراحت تمام از افق دید فراستمندانه صاحب آن نیز پرده بر می‌دارد.

اما قالبی که این مفاهیم در آن ریخته شده‌اند، چنان بدیع و سهل‌الممتنع است که مپرس. این بحث را وا می‌گذاریم به اهل آن؛ ولی این قدر می‌توان گفت: با هر داشته استاد می‌توان جدال کرد؛ اما اوستادی او را در سخن، نمی‌توان به چالش کشید.

۱. پیغام رهبر، ج ۴، ص: ۷۹-۸۰.

رویکردها



❖❖ قرآن كريم؛

الف) منابع عربى:

١- ابن اثير، عزالدين، (١٤١٧)، أسد الغابة فى معرفة الصحابة، ج: ١، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان؛

٢- ابن كثير، حافظ عمادالدين ابى الفداء إسماعيل ابن عمر، (١٤١٧)، البداية والنهاية، الطبعة الأولى، هجر، للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان؛

٣- اسامه بن احمد سلطان، (١٤٢٠)، عمار بن ياسر رجل المحنة وميزان الفتنة والمؤمن الذى اشتاقت عليه الجنة، مؤسسة الريان، الطبعة الأولى، بيروت - لبنان؛

٤- البخارى، محمد بن إسماعيل، (١٤٠٧)، صحيح البخاري، دار ابن كثير: بيروت - لبنان، الطبعة الثالثة؛

٥- التميمي، محمد بن حبان بن أحمد أبوحاتم، (١٤١٤)، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، الطبعة الثانية، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت؛

٦- الدبيل، محمد بن سعد، (١٤١٥)، عبد الله بن رواحة، الرياض، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، إدارة الثقافة والنشر؛

٧- رأفت الباشا، عبدالرحمن، (١٤١٢)، صور من حياة الصحابة، الناشر: دار النفائس، للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان؛

٨- سلطان، د. جميل، (١٤١٥)، عبد الله بن رواحة امير شهيد وشاعر

- على سرير من ذهب، الطبعة الخامسة، دمشق حلبونى - بيروت؛
- ۹- الشيباني، أحمد بن حنبل أبو عبدالله، (۱۴۱۴)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، دار إحياء التراث العربى، بى جا؛
- ۱۰- العسقلاني، أحمد بن علي بن حجر، (۱۴۱۲)، الإصابة في تمييز الصحابة، تحقيق: علي محمد البجاوي، الطبعة الأولى، الناشر: دار الجيل، بيروت؛
- ۱۱- قصاب، د. وليد، (۱۴۲۰)، ديوان عبدالله روحة و دراسة فى سيرته وشعره، الطبعة الأولى، دارالعلوم للطباعة والنشر؛
- ۱۲- نجيب، محمد، (۱۳۹۱)، كنتُ رئيساً لمصر، قاهره: المكتب المصرى الحديث؛
- ۱۳- النيسابوري، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري، (بى تا)، صحيح مسلم، الناشر: دار الجيل بيروت + دار الأفق الجديدة - بيروت.

(ب) منابع فارسی:

۱- ایلخانی، محمد، (۱۳۹۶)، تاریخ فلسفه در قرون وسطی و
رئسانس، ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها
(سمت)، ایران؛

۲- ربانی، برهان‌الدین، (۱۳۹۶)، کاروان حرم، نبشته‌های از رهبر شهید،
چاپ نخست، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ‌خانه بهیر، کابل،
افغانستان؛

۳- ربانی، برهان‌الدین، (۱۳۹۷)، پیغام رهبر، جلد ۴، چاپ نخست،
چاپ‌خانه بهیر، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، کابل، افغانستان؛

۴- ربانی، برهان‌الدین، (۱۳۹۷)، خط رهبر، جلد هفتم، چاپ اول، ناشر:
مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ‌خانه بهیر، کابل، افغانستان؛

۵- رزق، جابر، (۱۳۸۰)، اخوان المسلمین در کشتارگاه‌های ناصر،
۱۳۸۰، ناشر: تایباد، تهران، ایران؛

۶- سباعی، د. مصطفی، (۱۳۹۱)، سیرت نبوی، درس‌ها و اندرزها،
مترجم: فضل‌الرحمن فاضل، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، محل نشر: کابل،
افغانستان؛

۷- قطب، سید، (۱۳۹۷)، در سایه‌های قرآن، مترجم: پروفیسور برهان‌الدین
ربانی، چاپ چهارم، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ‌خانه بهیر
کابل، افغانستان؛

۸- _____ (بی‌تا)، دایرةالمعارف بزرگ شوروی، ج: ۲ و ۳، چاپ‌خانه
دایرةالمعارف بزرگ شوروی.